

موضوع انتقال آب کارون به زاینده رود ، چالش تاریخی میان خوزستان و اصفهان را زنده کرده است

زاینده رود نقطه تنش دو استان

صفحه ۶



بررسی آینده معادلات هسته‌ای ایران
پس از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل

بازتعریف سیاست‌های کلان ایران

- ابوالقاسم دلفی، مدیر کل سابق غرب اروپا: اروپا با وجود همراهی با آمریکا در مکانیسم ماشه، تمایل دارد درهای مذاکره را باز نگه دارد. چون جنگ او کراین، امنیت این قاره را تهدید می‌کند، اروپایی‌ها علاقه‌مندند از هر گونه تنش تازه در پرونده‌های بین‌المللی به‌ویژه در خاور میانه فاصله بگیرند

صفحه ۳

بررسی معمای توقف کنسرت‌های پایتخت

نوار قرمز بر قلب موسیقی تهران

- سالن میلاد با سابقه نمایشگاه‌های عظیم، ناگهان به دلیل «ناایمنی» برای اجراهای موسیقی غیر قابل استفاده اعلام شد
- سخنگوی آتش‌نشانی می‌گوید «ما حکم تعطیلی نمی‌دهیم، ریسک با متولیان است»

صفحه ۵

پیروز ارجمند، آهنگساز در گفت وگو با هفت صبح:

اگر نهادهای متولی موسیقی تعطیل شوند هیچ اتفاقی نمی‌افتد

صفحه ۵



ماجرای گوشت‌های مرجوعی مغولستان و پرسش‌های بی‌پاسخ درباره نقش سازمان دامپزشکی

گوشت‌های سرگردان

صفحه ۲

رپر معروف اتهام تجاوز را انکار کرد

عاشق بودم نه متجاوز

پزشکی قانونی پس از معاینه بیتا، برقراری رابطه را تأیید کرد اما درباره رضایت یا اجبار بررسی دادگاه ادامه دارد

صفحه ۷

علی‌علیپور ستاره پرسپولیس از سختی‌های لیگ، زمین‌های سخت، مربیان و نقش هواداران در مسیر قهرمانی می‌گوید

رنال وپاری سن ژرمن

هم در تختی نمی‌برند

- ما همان تیمی هستیم که سپاهان را در اصفهان شکست دادیم
- علی پروین پدر معنوی پرسپولیس است

صفحه ۷



سر مقاله

بازگشت مکانیسم ماشه و مسئولیت‌های ایران

یکی از مهم‌ترین چالش‌های دیپلماتیک و حقوقی برای ایران در شرایط کنونی بازگشت مکانیسم ماشه است. این ساز و کار که در چارچوب برجام طراحی شد، به کشورهای اروپایی و اعضای دائم شورای امنیت امکان می‌دهد در صورت نقض توافقی، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را بازگردانند. کاری که تقریباً نپایه‌ی شده‌ و از فردا تحریم‌های سازمان ملل برمی‌گردد. حالا با فعال شدن دوباره آن، ایران چگونه باید با این شرایط برخورد کند و چه سیاستی را در پیش بگیرد؟ در وهله نخست مسئولان کشورمان باید بپذیرند که این موضوع تبعات مستقیم اقتصادی، مالی و اجتماعی دارد. تحریم‌های شورای امنیت مشروطیت بیشتری از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا دارند و می‌توانند بر روابط تجاری و مالی ایران با بسیاری از کشورها تأثیر بگذارند. از این رو، انگار یا ساده‌انگاری درباره پیامدهای آن، راه‌حل مناسبی نیست.

اما مدیریت این وضعیت نیازمند دیپلماسی فعال، صبورانه و چندجانبه است. ایران باید تلاش کند تا مسیر گفت‌وگو با کشورهای اروپایی و حتی برخی اعضای شورای امنیت را باز نگه دارد. در عین حال، تکیه صرف بر شرق یا غرب به‌تنهایی نمی‌تواند ایران را از تبعات این تصمیم دور کند. تنوع‌بخشی به روابط بین‌المللی و ایجاد کانال‌های ارتباطی متعدد، بخشی از راهکار خواهد بود.

همچنین ایران باید در داخل کشور شفاف عمل کند. مردم حق دارند بدانند که بازگشت مکانیسم ماشه چه پیامدهایی برای زندگی روزمره‌شان خواهد داشت. پنهان کاری، دادن وعده‌های غیرواقعی یا مقصر دانستن دیگران بدون ارائه برنامه روشن، می‌تواند به نارضایتی عمومی دامن بزند. مسئولان باید با صداقت به جامعه توضیح دهند چه اتفاقی رخ داده و چه اقداماتی برای کاهش آثار آن در نظر دارند.

مسئله دیگر این که سیاست‌گذاری اقتصادی باید بر پایه مدیریت پیامدهای احتمالی باشد. کنترل تورم، حمایت از تولید داخلی، ایجاد ثبات در بازار ارز و برنامه‌ریزی برای تأمین کالاهای اساسی، اقداماتی است که می‌تواند فشارهای ناشی از تحریم‌های دوباره را تا حدی کاهش دهد. در عین حال رفتار مسئولان با مردم در این شرایط باید بر پایه اعتمادسازی و همبستگی ملی باشد. جامعه در شرایط سخت بیش از هر زمان دیگری نیازمند آرامش، شفافیت و احترام به حقوق شهروندی است. ایران اگر بتواند هم‌زمان دیپلماسی بین‌المللی را تقویت کند و در داخل با رویکردی واقع‌بینانه و مردمی حرکت کند، می‌تواند از این مرحله دشوار عبور کند.

نکته آخر این که بازار سرمایه بر خلاف برخی بخش‌های دیگر اقتصاد، نقش تصمیم‌ساز ندارد بلکه بیشتر تصمیم‌پذیر است. یعنی تحت تأثیر سیاست‌های کلان، تصمیمات بین‌المللی و شرایط اقتصادی داخلی حرکت می‌کند. در نتیجه هر قدر فضای اطلاعاتی بازار شفاف‌تر باشد، واکنش‌های فعالان آن عقلانی‌تر خواهد شد و زمینه برای کاهش اثرات منفی تحریم‌ها فراهم می‌شود. بنابر این راهکار اصلی کاهش اثرات بازگشت مکانیسم ماشه بر بازار سرمایه، ایجاد فضایی است که در آن شفافیت، نظم اطلاعاتی و پاسخگویی در اولویت باشد. هرچه این عوامل تقویت شوند، تاب‌آوری بازار بیشتر خواهد شد و اعتماد سرمایه‌گذاران نیز حفظ می‌شود. در چنین شرایطی می‌توان امیدوار بود که بازار سرمایه با وجود فشارهای خارجی، همچنان نقش خود را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور ایفا کند.

گزارش

روستاهای تاریخی و پلکانی چهارمحال و بختیاری هر روز به ویرانی نزدیک‌تر می‌شوند

قلعه‌های خاموش زاگرس

قلعه دزک با دیوارهای ترک‌خورده و سقف‌های آسیب‌دیده، در خطر فروپاشی و نابودی کامل قرار گرفته است



محمد عبدالعلی‌پور

هفت صبح

وقتی از گردنه‌های پرپیچ‌وخم زاگرس می‌گذرم و به دشت‌های چهارمحال و بختیاری می‌رسم، اولین چیزی که چشم را می‌گیرد نه فقط طبیعت بکر است، که بناهایی استوار اما زخمی که در دل این خاک جا خوش کرده‌اند. قلعه‌ها، روستاهای پلکانی، محوطه‌ها و خانه‌های قدیمی، هر کدام تکه‌ای از هویت تاریخی‌اند؛ اما آنچه امروز پیش چشم مسافر می‌گذرد، چیزی شبیه فراموشی است. در روستای دزک، کمی آن‌سوتر از شهرکرد، قلعه‌ای نیمه‌فرو ریخته به چشم می‌خورد. دیوارهای قاجاری قلعه دزک حالا ترک برداشته‌اند. سقف‌ها در برابر باران و برف هر زمستان با نقش‌ونگارهایی که هنوز از اصالت و زیبایی خبر می‌دهند، تاب نمی‌آورند و سنگ‌های فرو ریخته در حیاط، روایت خاموش سال‌هایی هستند که هیچ دسترسی برای مرمت‌شان دراز نشده است. این قلعه سال‌هاست ثبت ملی شده، اما ثبت ملی در ایران چیزی شبیه مهری است که هیچ ضمانتی برای حفاظت نمی‌آورد.

در گزارش‌های رسمی کمتر تصویری از وضعیت فرسایش جدی قلعه دزک منتشر می‌شود. این نبود تصویر، خودنشانه است. گویی اگر چیزی را نشان ندهیم، تخریبی هم رخ نداده. این رویکرد اما تنها در استان چهارمحال و بختیاری نیست. در سراسر ایران، بارها دیده‌ایم بناهایی که بعد از ثبت ملی، نه تنها مرمت و حفاظت نشدند، بلکه در سکوت کامل از بین رفتند. در این استان بیش از چهار هزار اثر تاریخی شناسایی شده، اما تنها ۶۴۴ اثر در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند. همین تفاوت عددها نشان می‌دهد که بخش بزرگی از تاریخ این سرزمین هنوز حتی در مرحله شناسایی رسمی هم راه‌شده است. قدرت‌تالله ولی‌زاده کاجی، معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چهارمحال و بختیاری در خردادماه سال جاری اعلام کرد که برای محافظت از حدود ۷۰۰ بنای تاریخی، تنها ۷ میلیارد تومان بوده تخصیص یافته؛ رقمی که اگر میان بناها تقسیم شود کمتر

از ۱۰ میلیون تومان برای هر کدام خواهد بود. «این عدد را باید کنار هزینه‌های مرمت واقعی بگذارید تا ببینید که عملاً هیچ کاری با آن نمی‌توان کرد.» هر بار که مدیران وزارت میراث فرهنگی به استان سفر می‌کنند، وعده‌هایی تکراری به گوش می‌رسد: از تدوین سند میراث فرهنگی و تصویب طرح‌های ویژه تا کمک به بافت‌های تاریخی. اما این وعده‌ها سال‌هاست روی کاغذ باقی مانده‌اند. نه سندی به اجرا درآمده و نه طرحی به تصویب رسیده است. نتیجه اینکه مردم در بافت‌های تاریخی، حتی برای تعمیر خانه‌های خود هم با مشکلات حقوقی و اداری روبه‌رو هستند.

بسیاری از مدیران ارشد این وزارتخانه نه سابقه‌ای در باستان‌شناسی دارند، نه تجربه‌ای در حفاظت از بناهای تاریخی. ایشان عمدتاً از سازمان صداوسیما به این وزارتخانه آمده‌اند و ذهنیت‌شان بیش از آنکه بر حفاظت متمرکز باشد، بر نمایش و تبلیغ است. برای مدیران رسانه‌ای مهم است که دوربین‌ها کدام بنا را ثبت کنند، نه اینکه کدام بنا واقعاً از تخریب نجات پیدا کند.

فعالان حوزه میراث بارها در دیدار با مدیران وزارت میراث فرهنگی و در نامه‌های سرگشاده هشدار داده‌اند که اعتبارات کنونی تنها به‌عنوان مسکن‌های موقت عمل خواهند کرد. با این ارقام و روند مدیریتی وزارت میراث فرهنگی نهایتاً بتوان بخشی از یک دیوار را به‌صورت اضطراری مرمت کرد یا سقفی که در آستانه فرو ریختن است را مقاوم‌سازی نمود. اما نگاه توسعه‌ای، یعنی حفاظت بلندمدت و پایدار، در برنامه‌های وزارت جایی ندارد.

بررسی وضعیت میراث فرهنگی کشور و خاصه استان چهارمحال و بختیاری را باید از نگاه مدیریتی وزارت میراث آغاز نمود. بسیاری از مدیران ارشد این وزارتخانه نه سابقه‌ای در باستان‌شناسی دارند، نه تجربه‌ای در حفاظت از بناهای تاریخی. ایشان عمدتاً از سازمان صداوسیما به این وزارتخانه آمده‌اند و ذهنیت‌شان بیش از آنکه بر حفاظت متمرکز باشد، بر نمایش و تبلیغ است.

است که در سال اخیر به وضوح دیده می‌شود: افزایش نمایش‌ها و کاهش کارهای واقعی. در بسیاری از مناطق استان، بناها تنها با کمک مردم محلی حفظ شده‌اند. گاهی روستاییان برای نگهداری از مسجد یا خانه‌ای تاریخی داوطلب شده‌اند، چون دولت بودجه‌ای برای نگهداری رسمی اختصاص نداده است. این هم از تناقض‌های میراث فرهنگی ماست: مردمی که خودشان با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، به جای مدیران وزارت میراث بار حفاظت از تاریخ کشور را هم بر دوش می‌کشند.

چهارمحال و بختیاری فقط یک نمونه است. از شمال تا جنوب ایران، بناهایی وجود دارند که هر روز تکه‌ای از هویت تاریخی ما را از دست می‌دهند. اما استان چهارمحال و بختیاری به خاطر تنوع و غنای میراث‌اش، تصویری روشن از این فروپاشی خاموش به جای خبر بازدیدگردشگران از قلعه دزک، خبر فرو ریختن سقف‌هایش را بخوانیم. اگر سند میراث فرهنگی استان تصویب نشود، اگر بودجه‌ها افزایش نیابد، اگر مدیران متخصص جایگزین مدیران رسانه‌ای نشوند، چیزی جز حسرت برای نسل‌های آینده خواهد ماند. این گزارش برای تلخ کردن دل مردم نیست، بیان واقعیتی ساده است. میراث فرهنگی ایران در حال از دست رفتن است و مسئولیت این فاجعه بیش از همه بر دوش مدیرانی است که به جای نگاه تخصصی، نگاه تبلیغاتی دارند، به جای مرمت، وعده می‌دهند و به جای اقدام، تصویرسازی می‌کنند. اکنون زمان آن است که وزارت میراث فرهنگی از پشت میزهای رسانه‌ای بیرون بیاید، کارشناسان واقعی را به میدان بفرستد، بودجه‌های جدی تخصیص دهد و بیش از هر چیز، احساس مسئولیت واقعی و گردشگری به جای جذب نیروهای تخصصی، بیشتر مدیرانی راویکورد رسانه‌ای را به کار گرفته است. نتیجه هم روشن و قابل پیش‌بینی است.

وقتی معاونان وزارتخانه به جای اینکه اهل پژوهش و مرمت باشند، سابقه کار در رسانه و تبلیغات دارند، طبیعی است که رویکرد غالب، ساختن تصویر باشد نه نجات میراث. این همان تغییری





گویا باز هم محموله گوشت‌های آلوده خبرساز شده است و ضد و نقیض‌های موجود در روش‌نگری‌های بخش دولتی در رابطه با محموله مر جوعی عراق به سمت مغولستان نیز نتوانسته نگرانی‌های جامعه را کمتر کند. درست مثل سال ۹۲ که آمار گمرک نشان می‌داد از مبدا قطب جنوب گوشت به کشور وارد شده و جوابیه‌های سازمان دامپزشکی درباره عدم پذیرش گوشت از مبدا قطب جنوب، به حل فضای مبهم ایجاد شده هیچ کمکی نکرد. در نهایت دامپزشکان افشا کردند که محموله‌های سرگردان روی آب دریاها با مبدا قطب جنوب درج می‌شوند و آنچه به ایران وارد شده، در واقع گوشت‌های مرجوعی دیگر کشورها بوده است. حال که بار دیگر ورود گوشت مرجوعی به بازار ایران مطرح شده، نمی‌دانیم چطور سازمان دامپزشکی ایران که طبق قوانین حق ضبط محموله‌های ترانزیتی را ندارد، آن را ضبط کرده است.



لیلا مرگن
هفت صبح

است اما طبق پروتکل‌ها، این سازمان حق ضبط محموله‌های مرجوعی را ندارد و راینمیتنی بر این باور است که هیچ حکم قضایی هم بر ای ضبط این محموله صادر نشده است.

ماجرای گوشت‌های مرجوعی مغولستان و پرسش‌های بی‌پاسخ درباره نقش سازمان دامپزشکی

گوشت‌های سرگردان

از نظر قانونی سازمان دامپزشکی نمی‌تواند گوشت‌های ترانزیتی را ضبط کند

این روزها خبرهایی درباره تلاش برای واردات گوشت‌های مرجوعی عراق به بازار ایران در فضای مجازی منتشر شده است. اگرچه سازمان دامپزشکی اعلام می‌کند که این گوشت‌ها را در جریان ترانزیت به مبدا اولیه یعنی مغولستان توقیف کرده است، بنابراین محموله باید به مغولستان عودت داده شود.

مواد مخدر که با قوانین آمره ایران در تضاد است، امکان ضبط وجود دارد و درباره سایر محموله‌ها که مالکش کشور ما یا شرکت‌های ایرانی نیستند، امکان ضبط وجود ندارد و به می‌شود.

رامین سلامتی، دامپزشک: با توجه به ترانزیت شدن گوشت‌های مرجوعی مغولستان از مسیر ایران، اصلا نیازی به نظارت دامپزشکی روی آن وجود ندارد و فقط در مواردی که دام زنده از کشوری عبور کند، با هدف مقابله با انتقال بیماری‌هایی مثل تب برفکی و غیره، نظارت‌های دامپزشکی ضروری است اما درباره محموله‌های گوشت منجمد، چنین نظارتی وجود ندارد و فقط ترانزیت انجام می‌شود



بیماری‌هایی مثل تب برفکی و غیره، نظارت‌های دامپزشکی ضروری است اما درباره محموله‌های گوشت منجمد، چنین نظارتی وجود ندارد و فقط ترانزیت انجام می‌شود.

سلامتی می‌گوید: از نظر قانونی هم سازمان دامپزشکی نمی‌تواند گوشت‌های ترانزیتی را ضبط کند و صرفاً باید گوشت‌های مرجوعی به مبدا اولیه بازگردانده شوند و آن‌طور که در خبرها آمده، خریدار عراقی چون توان تامین پول محموله صادراتی از مغولستان را نداشته است، این محموله توسط شرکتی که کار انتقال را انجام می‌داده در حال بازگشت به مبدا بوده است و ایران امکان ضبط آن را ندارد.

به گفته او فقط برای محموله‌هایی مثل البتّه علیرضا رفیعی پور رئیس سازمان دامپزشکی این موضوع را تکذیب کرده و اعلام می‌کند: گوشت‌ها برای بازار ایران سفارش داده نشده و توسط سازمان دامپزشکی توقیف شده است اما این جوابیه پرسشی را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا سازمان دامپزشکی حق توقیف محموله ترانزیتی را دارد؟

ضبط محموله ترانزیتی طبق قانون امکان‌پذیر نیست
رامین سلامتی به‌عنوان یک دامپزشک در گفت‌وگو با «هفت صبح» توضیح می‌دهد که با توجه به ترانزیت شدن گوشت‌های مرجوعی مغولستان از مسیر ایران، اصلا نیازی به نظارت دامپزشکی روی آن وجود ندارد و فقط در مواردی که دام زنده از کشوری عبور کند، با هدف مقابله با انتقال

پیمان فلسفی رئیس فراکسیون کشاورزی پویا و امور عشایر مجلس: این گوشت‌ها ظاهراً متعلق به عراق بوده و مرجوع شده است، یعنی حتماً از همان راهی که آمده می‌خواستند آن را بازگردانند که توسط سازمان دامپزشکی ضبط شده است

گفت که چنین اجازه‌ای نداده‌ایم، بنابراین هیچ کس قصد نداشته است که چنین گوشت‌هایی را وارد ایران کند و این گوشت‌ها ظاهراً مال ایران نبوده است. گوشت مربوط به عراق بوده و مرجوع شده است، یعنی حتماً از همان راهی که آمده است، داشتند آن را باز می‌گردانند که توسط سازمان دامپزشکی ضبط شده است. او درباره امکان ضبط محموله‌های ترانزیتی می‌گوید: اگر محموله آلودگی داشته باشد، باید آن را ضبط کنند که تعیین تکلیف شود.

در حالی این نکته از سسوی رئیس فراکسیون کشاورزی پویا و امور عشایر مجلس مطرح می‌شود که دامپزشکان معتقدند محموله‌های ترانزیتی صرفاً از مرزهای ایران عبور کرده و به کشور مبدأ عودت داده می‌شوند، پس آیا قرار بوده گوشت‌ها وارد ایران شود که سازمان دامپزشکی وارد عمل شده و آن را ضبط می‌کند؟

فلسفی در این رابطه توضیح می‌دهد: بالاخره به هر دلیلی باید این سسوی رئیس فراکسیون می‌گویند قرار بوده است که این محموله وارد بازار ایران شود ولی اگر گوشت مال جای دیگری بوده است، چطور قرار بوده آن را وارد بازار ایران کنند؟ ثابت کردن این موضوع و حرف زدن راجع به آن نیاز به مستندات دارد. من یک خبر که از طرف آقای عالی منتشر شد را دیدم و بعد از رئیس دامپزشکی در این رابطه پرسیدم، او گفت چنین چیزی نیست و ما این محموله را ضبط کردیم. مدیر کل دامپزشکی گیلان اعلام کرد که هم با واردکننده و هم مالک این گوشت که نمی‌دانیم چه کسی بوده است، برخورد خواهیم کرد.

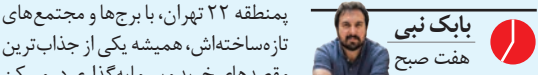
او ادامه می‌دهد: احتمالاً دارد که قصد وارد کردن گوشت به ایران را داشته باشند اما اکنون سازمان دامپزشکی به وظایف خود عمل کرده است. مردم نگران نباشند، مطمئناً اتفاق خاصی در این زمینه نیفتاده است که بخواهد این گوشت به بازار ورود کند. شاید موضوع نیاز به بررسی‌های میدانی هم داشته باشد و رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس در این رابطه اقدام کرده باشد اما من از آن اطلاع ندارم.

موضوع امنیت و سلامت مواد غذایی موضوع بسیار مهمی است. کوچک‌ترین خبر درباره آلودگی محصولات غذایی می‌تواند بازار آن را مختل کرده و با التهاب جدی مواجه کند. در شرایطی که گوشت وارداتی به دلیل قیمت‌های کمتر نسبت به تولید داخل، گزینه مورد توجه افشار زیادی از جامعه است، انتشار خبر درباره آلودگی محموله‌های وارداتی و جوابیه‌هایی که ابهامات را بیشتر می‌کند، نه تنها به جلب اعتماد افکار عمومی کمک نمی‌کند، بلکه اطمینان به سلامت و کیفیت مواد غذایی در بازار را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاش در این رابطه از همان ابتدا مسئولان به جای ارائه توضیحات ضد و نقیض، به صورت شفاف و دقیق اطلاع رسانی کنند تا جامعه بیش از این نگران سلامت مواد غذایی نباشد.

مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی طی نامه‌ای به دادستان کشور ضمن اشاره به تخلف در واردات گوشت بدون تاییدیه به شرعی در خواست کرد که به این موضوع رسیدگی شود

خطر زیادفروشی در کمین منطقه ۲۲

بافزایش پروژه‌های مسکونی و پیش‌فروش در منطقه ۲۲، فروش واحدها به چند نفر، خریداران را با خطر حقوقی و مالی مواجه کرده و تعاونی‌های دولتی گزینه‌ای نسبتاً امن برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند.



بمنطقه ۲۲ تهران، با برچ‌ها و مجتمع‌های تازه‌ساخته‌ها، همیشه یکی از جذاب‌ترین مقصد‌های خرید و سرمایه‌گذاری در مسکن بوده است. قیمت زمین و آپارتمان در این منطقه، به دلیل دسترسی آسان به آزادراه‌ها، مراکز خرید، فضاهای تفریحی و امکانات لوکس، رشد چشمگیری داشته و سرمایه‌گذاران و خریداران بسیاری را جذب کرده است اما همزمان، خبرهای زیادی از خطر زیادفروشی و مشکلات حقوقی در این منطقه به گوش می‌رسد؛ پدیده‌ای که می‌تواند به کابوس خریداران تبدیل شود و امنیت سرمایه‌گذاری را به شدت کاهش دهد. زیادفروشی به معنای فروش یک واحد مسکونی به چند نفر یا وعده فروش بیش از ظرفیت قانونی پروژه‌است. این پدیده در برخی پروژه‌های خصوصی، به ویژه شرکت‌های تازه‌کار یا کوچک، مشاهده می‌شود. کارشناسان مسکن می‌گویند: «در شرایط کنونی بازار، برخی سازندگان به دنبال جذب نقدینگی سریع هستند و بدون رعایت ضوابط قانونی، واحدها را پیش‌فروش می‌کنند. این رفتار خریداران را در معرض خطر حقوقی و مالی جدی قرار می‌دهد.» از سوی دیگر، پروژه‌هایی که تحت نظارت تعاونی‌های دولتی و شبه دولتی، معمولاً امنیت بیشتری برای خریدار دارند. این تعاونی‌ها با سازوکار شفاف، رعایت سقف فروش قانونی، ریسک زیادفروشی را به حداقل می‌رسانند. مرضی محمودپور یکی از کارشناسان مسکن در این زمینه می‌گوید: «اگر دنبال سرمایه‌گذاری مطمئن هستید، واحدهای تعاونی، ریسک به‌ترین گزینه‌اند؛ زیرا هم شفاف هستند و هم امکان استفاده از تسهیلات بانکی و وام مسکن فراهم است.»

با این حال، در نقطه مقابل، برخی شرکت‌های خصوصی کوچک یا تازه‌کار، بدون رعایت قوانین و ضوابط، وعده فروش سریع و سود جذاب به خریداران می‌دهند. این شرکت‌ها گاهی واحدهای یک پروژه را به چند نفر می‌فروشند یا زمان تحویل را غیرواقعی اعلام می‌کنند. خریداران، اغلب با اعتماد به تبلیغات پرزرق و برق و وعده‌های شرکت‌ها، از ریسک بالای معامله آگاه نمی‌شوند. نتیجه‌این رفتار، بروز اختلافات حقوقی طولانی و حتی از دست رفتن سرمایه مردم است. محمودپور با تأکید بر این موضوع می‌گوید: «خریداران باید پیش از هر اقدامی، استعلام رسمی از دفاتر ثبت اسناد و سازمان نظام مهندسی انجام دهند و قراردادها را با دقت بررسی کنند. اعتماد صرف به تبلیغات و وعده‌های شرکت‌ها، می‌تواند منجر به ضررهای مالی سنگین شود.» همچنین توصیه می‌شود که خریداران، سابقه پروژه‌ها و عملکرد پیشین شرکت سازنده را بررسی کنند و در صورت امکان، از خرید واحدهای بدون سند رسمی زمین به نام سازنده یا پیش‌فروش شده توسط سازندگان تازه‌کار خودداری کنند. بازار مسکن منطقه ۲۲ نشان می‌دهد که حتی در اوج رکود صنعت ساخت و ساز، تقاضا برای خرید یا پیش‌فروش واحدها زیاد است. این شرایط باعث می‌شود بسیاری از خریداران، عجله کنند و بدون تحقیق کافی وارد معامله شوند. کارشناسان اقتصادی و مسکن هشدار می‌دهند که عجله در این بازار، بیش از هر چیز خطر گرفتار شدن در پروژه‌های زیادفروشی را افزایش می‌دهد. نکته دیگری که باید مدنظر قرار گیرد، نقش ثبت رسمی و سند مالکیت قانونی است. بسیاری از خریداران بدون ثبت رسمی واحدهای خریداری شده، وارد قراردادها می‌شوند و همین امر، ریسک را بیشتر می‌کند. ثبت رسمی قرارداد، امنیت حقوقی را تضمین می‌کند و با توجه به قانون جدید ثبت که از مردادماه سال گذشته اجرایی شده است، امکان پیگیری حقوقی موثر را فراهم می‌کند. بنابراین، خریداران خانه‌های پیش‌فروش، قبل از هر اقدامی باید اطمینان حاصل کنند که سند رسمی یا پروسه ثبت در حال اجرا است. در کنار خطر زیادفروشی، برخی مشکلات دیگر نیز در این منطقه وجود دارد؛ از جمله پروژه‌هایی که زمان تحویل آنها نامشخص است یا شرایط پرداخت غیرشفاف دارند. کارشناسان مسکن توصیه می‌کنند که خریداران قبل از معامله‌ای، قراردادها را به دقت مطالعه و بندهای مربوط به زمان تحویل، ضمانت‌ها و تسهیلات بانکی را بررسی کنند. همچنین، بررسی تجربیات دیگر خریداران پروژه‌های مشابه می‌تواند به کاهش ریسک کمک کند. خطر زیادفروشی، چالشی واقعی برای بازار مسکن در منطقه ۲۲ است، اما با رعایت اصول حقوقی و انتخاب سازندگان معتبر، می‌توان از بروز مشکلات جلوگیری کرد. آگاهی و تحقیق دقیق، بزرگ‌ترین سرمایه هر خریدار در این بازار پر نوسان است و تنها راه مطمئن برای حفظ سرمایه و امنیت حقوقی به شمار می‌آید.

اگر قصد خرید آپارتمان با سرمایه‌گذاری در منطقه ۲۲ را دارید، نکات زیر حیاتی است: ● **اولویت با پروژه‌های تعاونی دولتی یا سازندگان معتبر باشد.** ● **قراردادهای پیش‌فروش‌ها باید با دقت بررسی و ثبت رسمی شوند.** ● **سابقه شرکت سازنده و پروژه‌های پیشین آن مورد ارزیابی قرار گیرد.** ● **اعتماد صرف به تبلیغات یا وعده‌های سودآور شرکت‌های تازه‌کار، سرمایه شما را به خطر می‌اندازد.**

بمنطقه ۲۲ تهران، با برچ‌ها و مجتمع‌های تازه‌ساخته‌ها، همیشه یکی از جذاب‌ترین مقصد‌های خرید و سرمایه‌گذاری در مسکن بوده است. قیمت زمین و آپارتمان در این منطقه، به دلیل دسترسی آسان به آزادراه‌ها، مراکز خرید، فضاهای تفریحی و امکانات لوکس، رشد چشمگیری داشته و سرمایه‌گذاران و خریداران بسیاری را جذب کرده است اما همزمان، خبرهای زیادی از خطر زیادفروشی و مشکلات حقوقی در این منطقه به گوش می‌رسد؛ پدیده‌ای که می‌تواند به کابوس خریداران تبدیل شود و امنیت سرمایه‌گذاری را به شدت کاهش دهد. زیادفروشی به معنای فروش یک واحد مسکونی به چند نفر یا وعده فروش بیش از ظرفیت قانونی پروژه‌است. این پدیده در برخی پروژه‌های خصوصی، به ویژه شرکت‌های تازه‌کار یا کوچک، مشاهده می‌شود. کارشناسان مسکن می‌گویند: «در شرایط کنونی بازار، برخی سازندگان به دنبال جذب نقدینگی سریع هستند و بدون رعایت ضوابط قانونی، واحدها را پیش‌فروش می‌کنند. این رفتار خریداران را در معرض خطر حقوقی و مالی جدی قرار می‌دهد.» از سوی دیگر، پروژه‌هایی که تحت نظارت تعاونی‌های دولتی و شبه دولتی، معمولاً امنیت بیشتری برای خریدار دارند. این تعاونی‌ها با سازوکار شفاف، رعایت سقف فروش قانونی، ریسک زیادفروشی را به حداقل می‌رسانند. مرضی محمودپور یکی از کارشناسان مسکن در این زمینه می‌گوید: «اگر دنبال سرمایه‌گذاری مطمئن هستید، واحدهای تعاونی، ریسک به‌ترین گزینه‌اند؛ زیرا هم شفاف هستند و هم امکان استفاده از تسهیلات بانکی و وام مسکن فراهم است.»

محصول	قیمت تقریبی (تومان)	توضیحات تکمیلی
برگر و گان	۲۴۵،۰۰۰	بسته ۲ عددی
کباب کوبیده گیاهی	۲۴۵،۰۰۰	بسته ۲ عددی
کباب برگ گیاهی	۲۵۰،۰۰۰	بسته ۲ عددی
جوجه کباب گیاهی	۲۴۵،۰۰۰	بسته ۲ عددی
پنیر توفو ارگانو	۱۴۰،۰۰۰	۲۰۰ گرمی
پنیر پیتزا وگن	۲۵۰،۰۰۰	۲۰۰ گرمی
شیر جودوسر	۲۱۵،۰۰۰	۱ لیتری
شیر سویا وانیل	۱۲۰،۰۰۰	۱ لیتری
پروتئین گیاهی استوایی	۷۳،۷۵۰	۲۰۰ گرمی
گریت بار هپی	۵۷،۰۰۰	۴ عددی
گریت بار اکتیو	۵۷،۰۰۰	۴ عددی
پنیر سبزیجات آلیمما	۷۶،۷۵۰	۲۰۰ گرمی
اسپاگتی وگان	۱۴۲،۰۰۰	۵۰۰ گرمی
گزن وگان چهار شیره	۹۰،۰۰۰	۳۰۰ گرمی
عصاره مالت جو	۱۰۰،۰۰۰	۳۰۰ گرمی

نوشان قیمت حبوبات و نیاز به میوه و سبزی متنوع باعث می‌شود سفره یک گیاهخوار منظم گاهی حتی پرخرج‌تر از سفره یک خانواده با رژیم غذایی ترکیبی باشد. از این‌رو، بسیاری از متخصصان توصیه می‌کنند به‌جای انتخاب گیاهخواری یا گوشت‌خواری، سراغ رژیم‌های متعادل برویم؛ رژیمی که مصرف گوشت را محدود می‌کند اما همچنان از منابع حیوانی ارزان‌تر مثل تخم‌مرغ یا لبنیات بهره می‌برد.

● **هزینه‌ای فراتر از پول**
مصاب اقتصادی گیاهخواری در نهایت نشان می‌دهد که این رژیم غذایی بیشتر از آنکه یک انتخاب صرفاً مالی باشد، نوعی تصمیم فرهنگی، اخلاقی و سبک زندگی است. کسی که گیاهخوار می‌شود، معمولاً دغدغه محیط زیست، حقوق حیوانات یا سلامت شخصی دارد. اما باید بداند این تصمیم الزاماً به معنای کاهش هزینه‌های ماهانه نیست. شاید سبزی خوردن همیشه ارزان‌تر از کباب نباشد و شاید انتخاب میان این دو، بیش از هر چیز بستگی به ارزش‌هایی داشته باشد که فرد حاضر است برایش هزینه کند.



سرو می‌کنند، معمولاً قیمتی بالاتر از صبحانه‌های سنتی ایرانی دارند. بنابراین، گیاهخواری اگرچه در ظاهر ساده و کم‌خرج به نظر می‌آید، در عمل بخشی از همان جریان «مصرف نمادین» و حتی لوکس‌گرایی شهری است.

استدلال طرفداران

البتّه گیاهخواران به این انتقادهای پاسخ‌های جدی دارند. از نظر آنها، هزینه‌های پنهان گوشت‌خواری مثل بیماری‌های قلبی، دیابت و فشار خون نیز باید در نظر گرفته شود. چرا که در بلندمدت هزینه درمان بسیار بالاتر از صرفه‌جویی‌های کوتاه‌مدت است. به بیان دیگر، گیاهخواری فراتر از یک انتخاب غذایی و نوعی سرمایه‌گذاری برای سلامت آینده است.

واقعیت میناه

واقعیت اما در جایی میان این دو نگاه قرار دارد. درست است که حذف گوشت فرمز فشار مالی خانوار را کاهش می‌دهد، اما جایگزینی کامل آن با فرآورده‌های گیاهی متنوع و مغذی لزوماً ارزان‌تر نیست. هزینه مکمل‌ها،

گزارش هفت صبح از مصائب اقتصادی گیاهخواری

برگر گیاهی

لوکس‌تر از استیک گاوی

مهدی خاکی فیروز
هفت صبح

گیاهخواری در نگاه اول ساده و کم‌خرج به نظر می‌رسد، اما تجربه عملی نشان می‌دهد که تامین پروتئین گیاهی، خرید فرآورده‌های ویژه و وابستگی به بازارهای وارداتی، این رژیم را به انتخابی پر هزینه‌تر از سفره سنتی ایرانی تبدیل کرده است

آب‌وهوا و تورم عمومی است. هندوانه در تابستان ارزان است، اما توت‌فرنگی یا زغال‌اخته در پاییز و زمستان به کالایی لوکس تبدیل می‌شود. گوجه و خیار که پای ثابت سالاد ایرانی‌اند، در برخی ماه‌ها چند برابر می‌شوند. در نتیجه، حفظ تنوع و تعادل غذایی برای یک گیاهخوار عملاً به بودجه بالاتری نیاز دارد تا کسی که عمده پروتئین خود را از مرغ و تخم‌مرغ تامین می‌کند و فقط مقدار محدودی سبزی مصرف می‌کند.

● **پروتئین گیاهی گران‌تر از پروتئین حیوانی**
یکی از مهم‌ترین چالش‌های گیاهخواری، تامین پروتئین کافی است. عدس، نخود، لوبیا و سویا منابع اصلی این رژیم به شمار می‌روند. اما کافی است سری به بازار بزنید. نرخ حبوبات در بازه ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان در نوسان است. خانواده‌ای که قرار است نیاز روزانه خود به پروتئین را فقط از این منابع تأمین کند، خیلی زود با قبض خریدی مواجه می‌شود که چندان کمتر از خرید مرغ و تخم‌مرغ نیست. جالب‌تر آنکه بسیاری از گیاهخواران برای تنوع غذایی سراغ محصولات فرآوری‌شده مثل برگرهای سویا، پنیرهای گیاهی یا شیر بادام می‌روند. این کالاهای اغلب وارداتی و خاص هستند و قیمت‌شان دو برابر همتایان حیوانی است. یک بسته پنیر گیاهی یا یک لیتر شیر بادام در فروشگاه‌های تهران قیمتی دارد که حتی از پنیر لیقوان یا شیر پرچرب گاوی بالاتر است.

● **اقتصاد جهانی و گیاهخواران ایرانی**
نکته دیگری که نباید فراموش کرد، وابستگی بخش زیادی از محصولات گیاهی پروتئین‌دار به واردات است. عدس، کانادایی، نخود استرالیایی یا سویا برزیلی بخش مهمی از سفره ایرانی را تشکیل می‌دهند. با کوچک‌ترین نوسان ارزی، این اقلام جهش قیمتی پیدا می‌کنند. برای خانواده‌ای که رژیم گیاهخواری را انتخاب کرده، چنین جهش‌هایی می‌تواند به‌مراتب سنگین‌تر از تغییر قیمت مرغ یا گوشت داخلی باشد.

● **هزینه‌های پنهان مکمل‌ها**
پزشکان و متخصصان تغذیه معمولاً توصیه می‌کنند گیاهخواران به‌طور منظم مکمل ویتامین B۱۲، آهن و گاهی کلسیم مصرف کنند. این مکمل‌ها اگرچه در ظاهر جزیی به نظر می‌آیند، اما در سبد ماهانه هزینه‌ای ثابت و قابل توجه ایجاد می‌کنند. یک بسته قرص B۱۲ خارجی قیمتی دارد معادل خرید چند کیلو گوشت مرغ.

● **میوه و سبزی؛ لاکچری فصل‌های غیرموافق**
گیاهخواری وابستگی زیادی به میوه و سبزی تازه دارد. اما قیمت این گروه غذایی در ایران تابعی مستقیم از فصل،

هفت صبح در گفت‌وگو با کارشناسان، آینده معادلات هسته‌ای ایران پس از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل را واکاوی می‌کند

بازتعریف سیاست هسته‌ای و دیپلماتیک ایران

● ابوالقاسم دلفی، مدیر کل سابق غرب اروپا در وزارت خارجه: اروپا با وجود همراهی با آمریکا در مکانیسم ماشه، تمایل دارد درهای مذاکره را باز نگه دارد. چون در شرایط بغرنج قاره اروپا، جایی که جنگ اوکراین، امنیت این قاره را تهدید می‌کند، اروپایی‌ها علاقه‌مندند از هر گونه تنش تازه در پرونده‌های بین‌المللی به‌ویژه در خاورمیانه فاصله بگیرند

● یوسف مولایی، تحلیلگر حوزه دیپلماسی: پس از بازگشت تحریم‌ها، مسیر مذاکرات هسته‌ای باید به‌طور مستقیم میان تهران و واشنگتن و البته با مشارکت روسیه و چین دنبال شود، چرا که اروپا نشان داده نه توان و نه اراده لازم برای ایفای نقش مستقل در این پرونده را ندارد

● بازگشت تحریم‌ها پایان یک دوره و آغاز دوره‌ای تازه در پرونده هسته‌ای ایران است. دوره‌ای که در آن تهران باید استراتژی دیپلماتیک خود را بر اساس معادلات جدید بین‌المللی بازتعریف کند



یوسف مولایی: باشکست قطعنامه روسیه و چین، برجام به پایان عمر خود رسید

با این قرائت، مولایی تصریح می‌کند که «پس از بازگشت تحریم‌ها، مسیر مذاکرات هسته‌ای باید به‌طور مستقیم میان تهران و واشنگتن و البته با مشارکت روسیه و چین دنبال شود، چرا که اروپا نشان داده نه توان و نه اراده لازم برای ایفای نقش مستقل در این پرونده را ندارد.» کارشناس مسائل هسته‌ای به «هفت صبح» می‌گوید که، «اگرچه حفظ روابط دیپلماتیک با اروپا در سطح سیاسی اهمیت دارد، اما پرونده هسته‌ای ایران دیگر نباید معطل مواضع متناقض و گاه خصمانه این کشورها بماند و تهران باید استراتژی جدیدی را بر اساس واقعیت‌های قدرت در نظام بین‌الملل طراحی کند.»

تحلیلگر حوزه دیپلماسی در بخش دیگری از سخنانش به ابعاد امنیتی ماجرا می‌پردازد و هشدار می‌دهد که «بازگشت تحریم‌های شورای امنیت می‌تواند زمینه‌ساز تحولات خطرناکی در منطقه شود.» او با اشاره به سابقه حملات اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران تأکید می‌کند که «تل آویو برای اقدام نظامی علیه ایران نیازی به مجوزهای بین‌المللی ندارد، اما بازگشت تحریم‌ها می‌تواند اجماع جهانی علیه ایران را تقویت کند و در صورت وقوع حمله احتمالی، هزینه‌های سیاسی و امنیتی آن را میان دیگر کشورها تقسیم نماید.» مولایی توضیح می‌دهد که «هرگاه اسرائیل ضرورت ببیند، بدون توجه به فضای حقوقی یا سیاسی بین‌المللی، دست به اقدام نظامی زده است؛ اما اکنون با بازگشت قطعنامه‌ها، این کشور می‌تواند از فضای ایجادشده برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود استفاده کند و این همان خطری است که نباید نادیده گرفته شود.» این حقوقدان در ادامه با اشاره به تجربه‌های تاریخی، از جمله جنگ ۱۲ روزه و همچنین حملات سایبری و خرابکارانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، متذکر می‌شود که «تل آویو همواره در پی تضعیف توان هسته‌ای ایران بوده و بازگشت تحریم‌ها ممکن است محاسبات امنیتی این رژیم را تغییر دهد.» لذا او اذعان دارد که «احتمال حمله اسرائیل هیچ‌گاه به صفر نرسیده است و بازگشت قطعنامه‌ها می‌تواند با ایجاد اجماع جهانی، هزینه چنین اقدامی را برای این رژیم کاهش دهد، چرا که در صورت اقدام نظامی، تل آویو دوره مذاکرات دولت بایدن نقش مؤثری ایفا نکرده و به برنامه هسته‌ای ایران نگران است و این گونه هزینه‌های سیاسی حمله را میان دیگران تقسیم کند.»

یوسف مولایی هم دیگر کارشناسی بود که طی گفت‌وگوی خود با «هفت صبح» و ذیل تحلیل تحولات اخیر پرونده هسته‌ای ایران، همسو با تحلیل انتقادی دلفی، معتقد است که، «باشکست قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین در شورای امنیت برای تعویق شش ماهه مکانیزم ماشه، باید پذیرفت برجام عملاً به پایان عمر خود رسیده است.» او نیز با نگاهی به گذشته، تأکید دارد که «برجام در دوره اوباما بر مبنای حسن نیت و فضای مثبت دیپلماتیک شکل گرفت؛ فضایی که در آن ایران و گروه ۱+۵ بر اساس اعتماد نسبی وارد مذاکره شدند و شرایط بین‌المللی به گونه‌ای بود که امکان رسیدن به توافق تاریخی فراهم شد. در آن زمان، نه از جنگ اوکراین خبری بود و نه از شکاف‌های عمیق کنونی میان تروئیکای اروپا و روسیه جنگ اقتصادی ایالات متحده و چین.»

تحلیلگر حوزه دیپلماسی ادامه می‌دهد که «توافق هسته‌ای در سال‌های اولیه توانست فضای تنش را تا حدی کاهش دهد، اما با خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام و ناتوانی اروپا در عمل به تعهداتش، رفته‌رفته ستون‌های این توافق فرو ریخت و امروز با بازگشت تحریم‌ها، می‌توان گفت برجام دیگر حنّی از نظر حقوقی نیز کنار کردی ندارد.» لذا مولایی اعتقاد دارد که «در طول سال‌های گذشته، چه در دولت روحانی و چه در دولت رئیسی، برجام عملاً به یک پوسته توخالی تبدیل شد که تنها نامی از آن باقی مانده بود و اکنون با شکست تلاش‌های دیپلماتیک برای تعویق مکانیزم ماشه، همین پوسته نیز فرو ریخته است.»

این مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی با اشاره به رأی نیاوردن قطعنامه روسیه و چین و بازگشت قریب‌الوقوع تحریم‌های شورای امنیت از بعدازظهر روز یکشنبه، تأکید دارد که «از این پس نقش تروئیکای اروپایی در روند دیپلماسی هسته‌ای ایران به حداقل رسیده است.» با چنین برداشتی، او توضیح می‌دهد که «تجربه سال‌های اخیر نشان داده آلمان، فرانسه و بریتانیا عملاً در بزنگاه‌های حساس، همسو با واشنگتن عمل کرده‌اند و هیچ‌گاه حاضر نشده‌اند هزینه‌ای برای حفظ توافق هسته‌ای بپردازند.» به گفته مولایی، «این کشورها نه در دوران خروج آمریکا از برجام در دولت ترامپ و نه در دوره مذاکرات دولت بایدن نقش مؤثری ایفا نکرده و به امروز نیز با حمایت از بازگشت تحریم‌ها، جایگاه خود را به عنوان میانجی‌های قابل اعتماد از دست داده‌اند.»

داشت. در چنین شرایطی، خطر تقابل‌های نیابتی و حتی درگیری‌های مستقیم افزایش می‌یابد، به‌ویژه اگر ایران در واکنش به فشارها بخواهد قدرت بازدارندگی خود را با گام‌های جدید هسته‌ای یا نظامی تقویت کند. خاصه آنکه خاورمیانه در چهار ماه گذشته تجربه تجاوز اسرائیل به ایران و قطر را از سر گذرانده است. در عرصه بین‌المللی نیز تهران در برابر دو مسیر متفاوت قرار گرفته است؛ یا تنش و چین حرکت کند، یا با طرح ابتکارات جدید در جهت تعمیق روابط با قدرت‌هایی چون روسیه و چین حرکت کند، یا با طرح ابتکارات جدید دیپلماتیک، شرایط را برای مذاکراتی تازه، اما این بار با ضمانت‌های قوی‌تر فراهم سازد. مسیر نخست می‌تواند به شکل‌گیری یک ائتلاف ضد غربی در منطقه و همکاری‌های اقتصادی-نظامی گسترده‌تر با شرق منجر شود، ولی در عین حال خطر انزوای بیشتر ایران را نیز در پی دارد. مسیر دوم مستلزم انعطاف‌پذیری دیپلماتیک و ارائه طرحی نو است که هم نگرانی‌های امنیتی غرب را کاهش دهد و هم حقوق هسته‌ای ایران را تضمین کند. در مجموع، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل نه تنها چالشی برای سیاست خارجی و اقتصاد ایران است، بلکه می‌تواند به فرصتی برای بازتعریف استراتژی هسته‌ای و منطقه‌ای کشور نیز بدل شود. موفقیت در این مسیر، نیازمند راهبردی جامع است که میان مقاومت و تعامل، توازن دقیقی برقرار کند و از هر گونه تصمیم هیجانی که می‌تواند تنش‌ها را به سطح غیرقابل بازگشتی برساند، پرهیز نماید.

کشورها در فرآیند بازگشت تحریم‌ها بود و از سوی دیگر، پیام آشکاری به غرب ارسال کرد که ایران آماده ورود به مرحله‌ای جدید و پرتنش در مناسبات دیپلماتیک است. این اقدام نمادین، در واقع اعلام پایان فصل پیشین مذاکره و همکاری بود و بر لزوم بازنگری در چارچوب‌های آینده تأکید داشت. البته باید گفت که پیامدهای این تحول در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بروز و ظهور پیدا خواهد کرد؛ در سطح داخلی، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل می‌تواند اقتصاد ایران را در شرایطی قرار دهد که شباهت زیادی به دوره پیش از برجام دارد؛ محدودیت‌های بانکی، ممنوعیت فروش تسلیحات و فشار بر صادرات نفتی و غیرنفتی، همگی می‌توانند نرخ تورم و رکود اقتصادی را تشدید کرده و بر زندگی روزمره مردم اثرات مستقیم بگذارند. این فشارها ممکن است دولت را وادار به اتخاذ سیاست‌های جبرانی کند که خود چالش‌های تازه‌ای در عرصه داخلی ایجاد خواهند کرد.

در سطح منطقه‌ای، تشدید فشارها احتمالاً به افزایش تحرکات بازگرمای رقیب با محوریت اسرائیل در خاورمیانه می‌انجامد. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ممکن است بازگشت تحریم‌ها را فرصتی برای محدودسازی بیشتر نفوذ منطقه‌ای ایران تلقی کنند، اما سیاست محتاطانه‌تری را در پیش خواهند گرفت و احتمالاً به دنبال دیپلماسی میانجی‌گرایانه در پرونده هسته‌ای خواهند رفت، چون هر گونه نامانی در منطقه، جدی‌ترین و مستقیم‌ترین تأثیرات را برای برنامه این کشور خواهد

حسین فاطمی
هفت صبح

بازگشت قریب‌الوقوع تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران طی ساعات پیش رو و پس از رأی منفی دوباره شورای امنیت به پیشنهاد روسیه و چین برای تمدید شش‌ماهه اسنپ یک در جلسه روز جمعه، نقطه عطفی را در پرونده هسته‌ای ایران و دیپلماسی بین‌المللی رقم زد. این تحول، نه تنها پایان عملی برجام با مهر تأیید شورای امنیت را تأیید کرد، بلکه در مرحله‌ای تازه و دشوار در سیاست خارجی تهران آغاز کرده است. مرحله‌ای که می‌تواند مسیر آینده امنیت، اقتصاد و روابط خارجی ایران را به‌طور بنیادین تحت تأثیر قرار دهد. نخست باید درک کرد که مکانیسم موسوم به «ماشه» در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، از ابتدا یکی از نقاط آسیب‌پذیر برجام بود. این سازوکار به هر یک از اعضای توافق اجازه می‌داد در صورت ادعای نقض تعهدات از سوی ایران، روندی را آغاز کنند که در نهایت به بازگشت خودکار تمام تحریم‌های سازمان ملل منجر شود، بدون اینکه سایر اعضای دائم شورای امنیت قادر به وتوی آن باشند. با شکست تلاش روسیه و چین برای تعلیق این روند، روشن شد که اراده جمعی جهانی برای حفظ فضای تنفس دیپلماتیک برای ایران وجود ندارد و غرب به دنبال بازگرداندن شرایط پیش از برجام است.

واکنش تهران با فراخواندن سفرای خود از آلمان، فرانسه و انگلستان پیامی دوگانه داشت. چون از یک سو نشان‌دهنده نارضایتی عمیق از نقش این

ابوالقاسم دلفی:

بازگشت تحریم‌ها

پایان همه چیز نیست



کمتری به گفت‌وگو نشان می‌دهد و اگر هم وارد مذاکره شود، شروط سخت‌تری را مطرح خواهد کرد.» سفیر پیشین ایران در لوکزامبورگ در تشریح بیشتر گفته خود به این موضوع ورود می‌کند که «آمریکایی‌ها هنوز موضع روشنی درباره مذاکره ندارند و تنها برخی اظهارنظرهای پراکنده از زبان استیو ویتکاف شنیده می‌شود که نمی‌توان روی آن‌ها حساب جدی باز کرد.» با این حال، رئیس سابق اداره کل غرب اروپا تبیین و تصریح می‌کند که «بازگشت تحریم‌ها را به‌طور کامل از غافل‌کنار گذاشت.» چرا که به باور دلفی، «روئیکای اتحادیه اروپا همچنان در شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نفوذ دارند و می‌توانند در مقاطع حساس، نقشی هرچند محدود ایفا کنند.» در پیوست چنین تحلیلی است که این مفسر ارشد سیاست خارجی معتقد است که «اگرچه شرایط برای گفت‌وگو با آمریکا دشوارتر شده، اما اروپا به دلیل بحران اوکراین و نگرانی از تشدید تنش‌های جهانی، مایل است مسیر دیپلماسی با ایران باز بماند و این فرصتی است که تهران نباید از آن غافل شود.» در بخش‌هایی این گپ و گفت، دلفی دیپلمات باسابقه تأکید دارد که «بازگشت تحریم‌ها پایان همه چیز نیست، اما بدون تردید آغاز مرحله‌ای تازه و پیچیده‌تر در پرونده هسته‌ای ایران خواهد بود؛ مرحله‌ای که در آن عقلانیت، تصمیم‌گیری‌های به‌موقع و درک صحیح از موازنه قدرت‌های جهانی می‌تواند مسیر آینده را تعیین کند.»

تنش تازه در پرونده‌های بین‌المللی، به‌ویژه در خاورمیانه، فاصله بگیرند.» سفیر پیشین ایران در کلمبیا و اکردیته در پرو، اکوادور و پاناما به هفت صبح می‌گوید: «این شرایط می‌تواند فرصتی برای تهران باشد تا با بهره‌گیری از تمایل اروپا به مذاکره، مانع از شکل‌گیری بحران‌های عمیق‌تر شود.» معاون سابق مدیر کل غرب اروپا در وزارت خارجه با اشاره به تجربه سال‌های گذشته تأکید می‌کند که «برجام عملاً پیش از این نیز به پوسته‌ای خالی از محتوا تبدیل شده بود.» از منظر او، «در دوره‌های مختلف، از دولت روحانی تا دولت رئیسی، فرصت‌هایی برای بازسازی این توافق وجود داشت، اما با به دلیل تحولات بین‌المللی چون جنگ اوکراین یا به دلیل تأخیر در تصمیم‌گیری‌های داخلی، این فرصت‌ها از دست رفت. اکنون، با شکست قطعنامه روسیه و چین و بازگشت تحریم‌ها، باید پذیرفت که برجام دیگر از نظر حقوقی و عملی کارایی گذشته را ندارد و نمی‌توان به احیای کامل آن امید بست.»

رئیس پیشین اداره آمریکا در وزارت خارجه در بخش دیگری از سخنان خود به آینده مذاکرات هسته‌ای پرداخت و تأکید کرد که «اگر در سال‌های گذشته، به‌ویژه پیش از جنگ دوازده روزه و تحولات امنیتی اخیر، از فرصت‌های مذاکره مستقیم با واشنگتن به‌یادمانی استفاده می‌شد، شاید وضعیت شرایط متفاوتی رقم می‌خورد. ولی با گذشت زمان و تشدید و تجمیع بحران‌ها، اکنون ایالات متحده تمایل

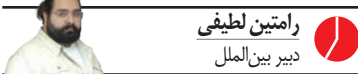
قطعنامه روسیه و چین رفت و با شکست این قطعنامه، راه برای بازگشت تحریم‌ها باز شد.» مدیر کل سابق غرب اروپا در وزارت خارجه در ادامه به پرسشی مهم اشاره می‌کند: «اینکه چرا روسیه و چین با علم به فضای منفی شورای امنیت و ترکیب آرای مشخص، قطعنامه‌ای را ارائه کردند که از ابتدا شانس تصویب نداشت و تنها نتیجه آن، قرار گرفتن ایران در موقعیتی منزوی بود؟» به گفته او، «این اقدام نه تنها کمکی به تهران نکرد، بلکه باعث شد ایران در فاصله کوتاهی دو بار با شکست دیپلماتیک در شورای امنیت مواجه شود و تصویری از انزوا و تنهایی آن در سطح بین‌الملل ترسیم گردد.» به اعتقاد سفیر پیشین ایران در بلژیک، «این تصمیم، فرصتی دوباره در اختیار مخالفان ایران قرار داد تا اجماع جهانی علیه تهران را تقویت کنند. اجماعی که با فعال شدن دوباره تحریم‌ها می‌تواند ابعاد تازه‌ای به خود بگیرد.»

رئیس سابق اداره دوم غرب اروپا در وزارت خارجه به مرور این تحولات، باور دارد که «اگرچه بازگشت تحریم‌ها شرایط را پیچیده‌تر خواهد کرد، اما همچنان روزه‌هایی برای دیپلماسی باز است.» به زعم دلفی، «اروپا به‌رغم همراهی با آمریکا در موضوع فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تمایل دارد درهای مذاکره را باز نگه دارد. دلیل این تمایل را باید در شرایط بغرنج قاره اروپا جست‌وجو کرد؛ جایی که جنگ اوکراین، امنیت این قاره را با تهدیدی جدی مواجه کرده و اروپایی‌ها علاقه‌مندند از هر گونه



ابره‌ای سرخ بر فراز فلسطین

سرانجام مایکروسافت اعلام کرد برخی از خدمات ابری و هوش مصنوعی خود را از ارتش اسرائیل قطع کرده است



شرکت مایکروسافت اعلام کرد بخشی از خدمات خود را از ارتش اسرائیل حذف کرده است. این اقدام پس از تحقیقی صورت گرفت که نگرانی‌هایی را درباره نقض شرایط خدمات شرکت از سوی اسرائیل برانگیخت؛ مبنی بر آنکه ارتش اسرائیل از هوش مصنوعی و خدمات ابری این شرکت برای جاسوسی از میلیون‌ها فلسطینی در غزه و کرانه باختری استفاده می‌کرده است. این تصمیم روز پنجشنبه در پی انتشار نتایج تحقیق مشترک روزنامه گاردین بریتانیا و نشریات اسرائیلی «۹۷۲+» و «لوکال کال» اعلام شد. گزارش مذکور که در مردادماه منتشر شد، افشا کرد که ارتش اسرائیل از پلتفرم ابری «آزور» (Azure) مایکروسافت برای نظارت گسترده بر فلسطینی‌ها در جریان حمله‌ای خونین به غزه بهره برده است؛ حمله‌ای که در کمتر از دو سال، بیش از ۶۵ هزار کشته بر جای گذاشت.



از این فناوری‌ها برای هدف قرار دادن یا آسیب رساندن به غیرنظامیان نیافته است.

خدمات محدودشده: کدام فناوری‌ها غیرفعال شد؟

به گفته اسمیت، تنها اشتراک‌های خاصی از خدمات مایکروسافت برای ارتش اسرائیل مسدود شده و این کشور همچنان می‌تواند از سایر محصولات این شرکت برای امنیت سایبری بهره برد. او مشخص نکرد که دقیقاً کدام محصولات غیرفعال شده‌اند یا کدام واحدهای ارتش مشمول محدودیت شده‌اند اما اشاره کرد که موضوع اصلی مربوط به نحوه استفاده از سرورهای آژور در هلند و برخی خدمات هوش مصنوعی مایکروسافت است.

آژور چیست و چگونه در غزه استفاده شد؟

پلتفرم آژور مجموعه‌ای از خدمات ابری را شامل می‌شود؛ از ذخیره‌سازی نامحدود داده‌های دیجیتال تا قابلیت‌های پیشرفته هوش مصنوعی. از جمله گردآوری، رونویسی، ترجمه و تحلیل میلیون‌ها تماس تلفنی. تحقیق مردادماه نشان داد که ساتیا نادلا، مدیرعامل مایکروسافت، در اواخر ۲۰۲۱ با یوسی سساریل، رئیس وقت واحد ۸۲۰۰ ارتش اسرائیل، در سیاتل دیدار کرده بود. هدف این دیدار، مذاکره درباره ذخیره‌سازی انبوه اطلاعات «حساس» اسرائیلی در آژور بود. واحد ۸۲۰۰، شاخه نخبه جنگ سایبری اسرائیل است که مسئول جمع‌آوری اطلاعات سیگنال و عملیات مخفی محسوب می‌شود. این واحد از ۲۰۲۲ سامانه‌ای نظارتی ایجاد کرد که امکان ضبط و ذخیره میلیون‌ها تماس تلفنی فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری را فراهم می‌کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، پس از ۱۷ اکتبر، استفاده از تنش اسرائیل از خدمات مایکروسافت به‌ویژه ذخیره‌سازی ابری و ترجمه زبانی مبتنی بر هوش مصنوعی افزایش یافت و در کنار سیستم‌های داخلی هوش مصنوعی برای تصمیم‌گیری درباره اهداف حملات هوایی به کار گرفته شد.

آیا مایکروسافت بی‌اطلاع بود؟

با وجود ادعای مایکروسافت مبنی بر بی‌اطلاعی، اسناد داخلی و شهادت ۱۱ کارمند نشان می‌دهد واحد ۸۲۰۰ ارتباطات فلسطینی‌ها را روی آژور ذخیره

اخراج، انکار و در نهایت، پذیرش

مایکروسافت طی ماه‌های اخیر چندین کارمند خود را به دلیل اعتراض به استفاده ارتش اسرائیل از نرم‌افزارهای این شرکت در غزه، اخراج یا به پلیس معرفی کرده است. در مردادماه، چهار کارمند اخراج شدند و چند نفر دیگر نیز در اعتراض به همکاری مایکروسافت با ارتش اسرائیل که به گفته آنان در ویرانی غزه نقش داشته است، استعفا دادند. این شرکت فناوری بارها ادعاها را رد کرده بود اما پس از انتشار تحقیق اخیر، اعلام کرد بررسی مستقلی را به شرکت حقوقی «کاوینگتون اند برلینگ» در واشنگتن و یک شرکت مشاوره فنی که نام آن فاش نشده، سپرده است. برد اسمیت، معاون رئیس و رئیس مایکروسافت، در یادداشتی خطاب به کارکنان که روز پنجشنبه منتشر شد، توضیح داد بررسی مستقل اسناد ارتباطی و مالی شرکت، اتهامات را تأیید کرده است. او هر چند جزئیات شوادر افاش نکرد اما گفت موضوع به استفاده ارتش اسرائیل از آژور و خدمات هوش مصنوعی مایکروسافت مربوط می‌شود. اسمیت نوشت: «بنابراین ما به وزارت دفاع اسرائیل اطلاع داده‌ایم که مایکروسافت تصمیم گرفته است برخی از اشتراک‌ها و خدمات مشخص شده وزارت دفاع اسرائیل از جمله استفاده آنها از ذخیره‌سازی ابری خاص و فناوری‌های هوش مصنوعی را متوقف کند».

چرخش در سیاست: از همکاری تا محدودیت

این موضع تغییر آشکاری در سیاست پیشین مایکروسافت محسوب می‌شود. در ماه مه، پس از گزارش مشابهی از خبرگزاری آسوشیتدپرس مبنی بر استفاده واحد ۸۲۰۰ با همان آژانس جاسوسی ارتش اسرائیل از خدمات مایکروسافت برای نظارت در غزه، این شرکت اعلام کرده بود بررسی داخلی انجام داده است. مایکروسافت در آن زمان تأیید کرد برخی خدمات پیشرفته هوش مصنوعی و ابری برای کمک به یافتن اسرائیلی‌های ربوده‌شده در ۱۷ اکتبر به ارتش اسرائیل فروخته شده اما هیچ مدرکی درباره استفاده

عکس روز

فرانسه: قلب تپنده جهانگردی

فرانسه برای بیش از ۳۰سال متوالی، صدرنشین جدول مقاصد پربازدید جهان است



۸۳.۷ میلیون بازدیدکننده در جایگاه دوم قرار دارد؛ ایالات متحده به لطف طبیعت متنوع و شهرهای مدرن نیز با ۷۹.۳ میلیون گردشگر سوم است؛ ایتالیا با اتکا بر تاریخ کهن و آثار باستانی و جذابش با حدود ۶۵ میلیون بازدیدکننده چهارم و ترکیه به لطف سفرهای

در روز جهانی گردشگری، نگاهی به آمارهای تازه نشان می‌دهد که فرانسه نه تنها با جاذبه‌های بی‌نظیرش مانند برج ایفل، موزه لوور و ۴۹ سایت میراث جهانی یونسکو، از جمله ۴۲ سایت فرهنگی و ۶ سایت طبیعی، بلکه با درآمد گفتنی که از صنعت توریسم به ارمان می‌آورد، نقش محوری در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. بر اساس گزارش‌های اخیر، گردشگری فرانسه در سال ۲۰۲۴ از رکورد زده و بیش از ۱۰۰ میلیون بازدیدکننده جذب کرده که ۲ میلیون بیشتر از سال قبل بوده است. این موج عظیم، ۷۱ میلیارد یورو درآمد ارزی مستقیم برای این کشور به همراه داشته و انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۵، این رقم به ۷۵.۱ میلیارد یورو برسد. صنعت گردشگری فرانسه که حدود ۹ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP)، معادل ۲۵۴.۷ میلیارد یورو را تشکیل می‌دهد، نه تنها از پایتخت رمانتیک آن یعنی پاریس با ۳۸ میلیون بازدیدکننده تغذیه می‌شود، بلکه از تنوع جغرافیایی‌اش نیز سود می‌برد: از روستاهای مسحورکننده پروانس و کوه‌های آلپ گرفته تا تاکستان‌های بورโด و قلعه‌های لوآر. این تنوع، فرانسه را به مقصدی چهار فصل تبدیل کرده است. در رده‌بندی جهانی، پس از فرانسه، اسپانیا به لطف سواحل مدیترانه‌ای و فستیوال‌های پر جنب‌وجوش با

کیوسک



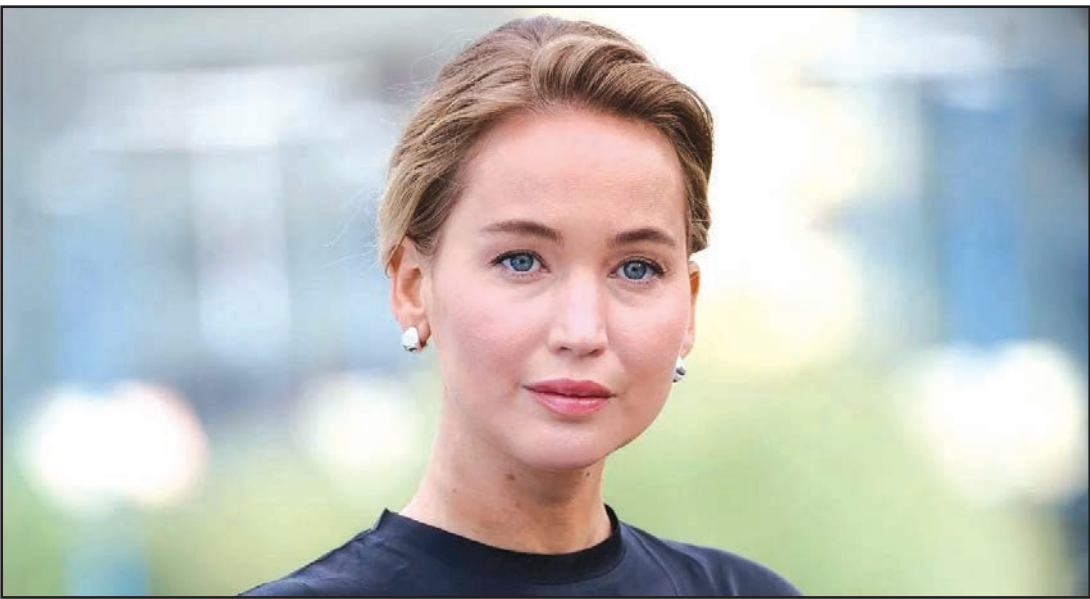
نیویورک تایمز آمریکا، عکس اصلی خود را به سخنرانی بنیامین نتانیاهو در سازمان ملل و تهدید فلسطینیان از سوی او برای صندلی‌های خالی اختصاص داد.

فاینشال تایمز انگلیس در تیترا اصلی

خود به ماجرای اعلام جرم علیه رئیس پیشین اف‌بی‌ای پرداخت و آن را شروع پروژه حذف مخالفان سیاسی ترامپ نامید.



چهار روز



جنیفر لارنس در آستانه دریافت جایزه «دونوستیا» در جشنواره سن سیاستین، در یک کنفرانس مطبوعاتی سخنان تندی درباره اوضاع غزه بر زبان آورد. او با لحنی آشکار و بی‌برده گفت آنچه امروز در فلسطین جریان دارد، از نسل‌کشی است و سیاست‌های آمریکا نیز در این بحران غیرقابل قبول است. لارنس تأکید کرد که بیش از هر چیز برای آینده فرزندان‌ش و همه کودکان جهان وحشت‌زده است؛ چراکه سیاست بی‌اخلاقی و بی‌تفاوتی در حال عادی شدن برای نسلی است که فردا پای صندوق‌های رأی خواهد رفت. او هشدار داد بی‌توجهی به فاجعه‌ای که در گوشه‌ای از دنیا رخ می‌دهد، دیر یا زود دامان دیگران را هم خواهد گرفت. لارنس در عین حال گفت هنرمندان مسئول حل مشکلات سیاسی نیستند و نباید به‌خاطر شکست سیاستمداران مورد سرزنش قرار گیرند. او در پایان از شهروندان خواست مسئولیت‌پذیر باشند و با حضور در انتخابات مانع از تداوم وضعیتی شوند که آزادی بیان را هم هدف قرار داده است.

ینگه دنیا

نمایش یک نفره پینوکیو در نیویورک

نگاهی تحلیلی به سخنرانی دونالد ترامپ در سازمان ملل

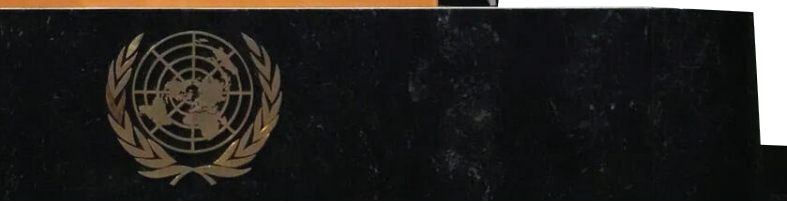
سالن بزرگ مجمع عمومی سازمان ملل، سه‌شنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵، بار دیگر شاهد صحنه‌ای بود که بیش از آنکه یادآور سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا باشد، به مونولوگ یک شومن شباهت داشت. دونالد ترامپ با سخنرانی طولانی بیش از ۵۰ دقیقه‌ای خود، ۴۲۴ جمله بر زبان راند. جملاتی که در پارهای از موارد، مخاطبان را متعجب و در پارهای دیگر خشمگین کرد. نگاهی دقیق به ادعاهای او نشان می‌دهد که بسیاری از آنها با داده‌های آماری و گزارش‌های معتبر همخوانی ندارند.

مهاجرت: «فاجعه بی‌پایان» یا ابزار توسعه؟

ترامپ اروپا را به «فاجعه بی‌پایان مهاجرت» متهم کرد و مدعی شد که مرزهای باز قاره آن را به نابودی کشانده است اما آمار رسمی اتحادیه اروپا روایت دیگری دارد: در سال ۲۰۲۴ تنها ۶.۴ درصد جمعیت ۲۷ کشور عضو، اتباع غیراروپایی بودند و ۹.۹ درصد نیز خارج از اتحادیه به دنیا آمده بودند. این در حالی است که آمریکا نسبت مهاجران به کل جمعیت به ۱.۵۸ درصد می‌رسد. آمارهای فرانکس، آژانس مرزی اتحادیه اروپا، نشان می‌دهد که عبورهای غیرقانونی از مرز در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۳۹ هزار مورد بوده که نسبت به سال قبل ۲۵ درصد کاهش داشته است. این روند نزولی در هفت‌ماهه نخست ۲۰۲۵ نیز ادامه یافت

لندن و شریعت: از توهم تا واقعیت

یکی از جنجالی‌ترین ادعاهای ترامپ، این بود که «لندن می‌خواهد به سوی قانون شریعت برود». کنایه‌ای مبنی بر اینکه شهردار مسلمان لندن قصد دارد این شهر را به یکی از استان‌های حکومت‌هایی مانند داعش یا طالبان تبدیل کند. این سخن، تکرار نظریه‌های توطئه‌ای است که سال‌هاست علیه



ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



ماجرای طولانی و مضحک بازنشستگی دنیل دی-لوتیس



دنیل دی-لوتیس، بازیگر ۶۸ساله و تنها مرد تاریخ سینما که سه بار جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول را به‌خانه برده است، بازگشت دوباره‌اش به پرده سینما را با لحنی شوخ‌طبعانه توصیف کرد: «با اعلام بازنشستگی خودم را مسخره کردم – و شاید با برگشتنم هم خودم را مسخره کردم». او پس از هشت سال غیبت، با فیلم «آنمونی» به کارگردانی پسرش رونان، دوباره مقابل دوربین قرار گرفته است. دی-لوتیس در جشنواره نیویورک گفت پس از فیلم «رشته خیال» روحیه‌ای «بسیار ضعیف» داشته و گمان می‌کرد دیگر هرگز به بازیگری باز نخواهد گشت. اما اولین تجربه کارگردانی پسرش درامی خانوادگی درباره پدران و پسران بود که شوق بازی در او را دوباره زنده کرد. او تأکید کرد: «امیدوارم باز هم بازی کنم. واقعاً قدران این فرصت هستم». گفتنی است بازگشت این بازیگر یکی از زوهای سینما دوستان بود. فیلم آنمونی که سامانتا مورتن، شان بین و ساموئل باتملی نیز در آن حضور دارند، از سوم اکتبر در سینماها اکران خواهد شد.

پژوهش

پیروزار جمند، آهنگساز و مدیر کل سابق دفتر موسیقی وزارت ارشاد

اگر نهادهای متولی موسیقی تعطیل شوند، هیچ اتفاقی نمی افتد

● مردم مصرف موسیقی خود را از جایی غیر از نهادهای رسمی تأمین می کنند

▼

شما در پنج سال گذشته فقط یک ترانه را معرفی کنید که صداسیما در فراگیر شدن آن نقش داشته باشد. صدها میلیارد تومان هزینه شده که حتی یک اثر هم در اذهان ماندگار نشود و در سبده کالای مصرفی مخاطب نرود. این نشان می دهد که ما چقدر از مردم عقب هستیم



جستای داشتیم. شعرهایش را که بررسی می کردم، همگی خوب بودند. از او پرسیدم شما که از ارشاد مجوز نمی گیرید، چه چیزی باعث می شود شعرتان این قدر خوب باشد؟ گفت: «من هر شعری را که می گویم، اول برای پدر و مادرم می خوانم. اگر دیدم می شود آن را برای آنها خواند، منتشرش می کنم.» ببینید! می خواهم بگویم حتی در نبود وزارت ارشاد، اگر ما به هنرمندان اعتماد کنیم، خودشان این وسواس را در انتخاب شعر و اجرا خواهند داشت.»

تهیه کنندگانی که از قطار نسل نو جا مانده اند از بحث داغ رب، به شکافی عمیق تر می رسیم؛ شکاف میان نسل جدید و صنعت رسمی موسیقی. آیا تهیه کنندگان موسیقی توانسته اند بر موج سلیقه نسل نو سوار شوند؟ پاسخ ارجمند قاطع و منفی است: «به نظرم تهیه کنندگان موسیقی هنوز نتوانسته اند خودشان را به نسل جدید برسانند. موسیقی ای که نسل جدید تولید می کند یا دوست دارد، هنوز در صحنه های رسمی کنسرت های ایران نیست. این موسیقی بیشتر به صورت زیرزمینی، در گروه های محدود یا فایل های شنیداری در جریان است. من معتقدم تهیه کنندگان ما از نسل جدید عقب تر هستند.»

او این عقب ماندگی را در تولیدات رسمی موسیقی کشور مشهود می داند: «آنچه امروز روی صحنه می شنویم، تقریباً مربوط به دوازده دهه شصت و هفتاد است. ما هنوز نتوانسته ایم برای نسل دهه هشتاد و حتی نسل آلفا، موسیقی مناسب و باارزش تولید کنیم و این موسیقی در عرصه رسمی کشور، چه در وزارت ارشاد و چه در صداسیما، به رسمیت شناخته نمی شود. شاید یکی از دلایلی که نمی توانیم در نسل جدید نفوذ کنیم، همین است که ما عقییم.»

مرجعیت از دست رفته: آیا «مجاز» هنوز محلی از اعراب دارد؟

این عقب ماندگی از ذائقه جامعه، ارجمند را به نقدی بنیادین بر کل ساختار نظارتی موسیقی می رساند. آیا در عصر پلتفرم های دیجیتال و دسترسی آزاد به اطلاعات،

گروه فرهنگ و هنر | در میانه هیاهوی تمام نشدنی بر سر «باید»ها و «نباید»های موسیقی ایران، جایگاه پیروز ارجمند به دلیل تجربه اش در دو سوی میدان، قابل تأمل است. او که هم در مقام آهنگساز و پژوهشگر فعالیت کرده و هم سابقه مدیر کلی دفتر موسیقی وزارت ارشاد را در کارنامه دارد، این حوزه را از دو منظر متفاوت دیده است: زاویه خلق هنری و زاویه مدیریت دولتی.

همین موقعیت دوگانه، بهانه ای شد تا در روزهایی که بحث صدور مجوز برای کنسرت های موسیقی رب دوباره داغ شده است، به سراغ او برویم. اما گفت و گو از یک ژانر خاص فراتر رفت و به جراحی عمیق تری در کالبد فرهنگ و هنر کشور رسید؛ از تهیه کنندگانی که از نسل نو جا مانده اند تا نهادهای متولی که به باور او، بودن و نبودن شان دیگر تأثیری در روند تولید و مصرف موسیقی مردم ندارد. آنچه در ادامه می خوانید، روایتی است از یک زیست بوم فرهنگی که راه خود را مستقل از سیاست گذاری های رسمی پیدا کرده و نیازمند یک بازنگری بنیادین است.

رب: مسئله «کلام» است، نه «ژانر»

بحث را با داغ ترین سوژه این روزها آغاز می کنیم: اعطای مجوز به موسیقی رب. آیا این گشایش، کمکی به فضای موسیقی کشور خواهد کرد؟ ارجمند با طمأنینه و نگاهی تحلیلی، صورت مسئله را از نو تعریف می کند: «من اصولاً بر این باورم که موسیقی، خصوصاً موسیقی بی کلام، هیچ مشکلی برای شنیدن ندارد. ما نمی توانیم بگویم یک موسیقی بی کلام خوب است یا بد، مناسب است یا نه. چون موسیقی بی کلام، هنری انتزاعی است و هر شنونده ای می تواند برداشت شخصی خودش را از آن داشته باشد.»

او معتقد است مشکل زمانی آغاز می شود که «کلام» در کنار موسیقی قرار می گیرد. از این منظر، تفاوتی میان ژانر ها وجود ندارد: «اگر شما در هر سبکی، حتی در موسیقی سنتی، کلامی نامر تبط، ناموزون و برخلاف عرف اجتماعی و اخلاقی به کار ببرید، شنیدن آن توصیه نمی شود. رب هم یکی از همین گونه هاست. اگر متن خوبی کنار آن قرار بگیرد، هر چند انتقادی، می تواند شنیده شود. ما باید به این لیست گفتمان های مختلف احترام بگذاریم. در موسیقی همه گفتمان ها باید حضور داشته باشند، مشروط بر آنکه در شعر و متن آنها مشکلی وجود نداشته باشد.»

ارجمند به متغیر دیگری نیز اشاره می کند: شیوه و محیط اجرا. «گاهی متن و موسیقی مشکلی ندارند، اما ماهیت و محیط اجراست که تأثیرات متفاوتی بر مخاطب می گذارد.» او برای اثبات اینکه می توان از دل یک ژانر به ظاهر معترض، کار کردی مثبت استخراج کرد، به خاطره دوران مدیرتش در وزارت ارشاد بازمی گردد: «در همان زمان، موسیقی راک با محدودیت هایی برای اجرا مواجه بود. من این محدودیت را مرتفع کردم. راک هم در برخی از سبک های ما، مابهی اعتراضی دارد. در همان دوران، گروهی به نام «خورشید سیاه» اثری در حوزه زیست محیطی خلق کرد که چندین جایزه هم گرفت. این نشان می دهد سبکی که بسیاری با آن مخالف بودند هم می تواند در کار کرد خودش، تأثیرات مثبتی در جامعه داشته باشد.»

او با حذف رب مخالف است و به سالم سازی آن باور دارد و این باور را با خاطره ای جالب از یکی از خوانندگان مشهور رب تقویت می کند: «بسیاری از خوانندگان معروف رب

سیستمی به نام «مجاز» اساساً کارایی دارد؟ او با صراحتی کم نظیر پاسخ می دهد: «من اساساً با تعطیلی بخش بررسی مجوز ها در دفتر موسیقی وزارت ارشاد و صداسیما موافقم، اما به شرط سپردن آنها به نهادهای انجمن های صنفی و تخصصی.»

او مدل مطلوب خود را با اشاره به سایر صنوف تشریح می کند: «ببینید، در بسیاری از مشاغل مهم که با سلامت جسم ما سروکار دارند، دولت تصدی گری نمی کند، بلکه متولی گری می کند و تصدی گری را به انجمن ها سپرده است. اگر ما به خودمان، به تهیه کنندگان، ناشران، خوانندگان و آهنگسازان شناخته شده اعتماد کنیم و نظارت بر فعالان جدید تر را به صنوف بسپاریم، مسئله حل می شود.»

اما تکان دهنده ترین بخش تحلیل او اینجاست: «من فکر می کنم در حال حاضر، بود و نبود تمامی دستگاه های متولی در کشور، اعم از حوزه هنری، صداسیما، آموزش و پرورش، وزارت ارشاد و حتی سازمان های فرهنگی شهرداری، اگر امروز تعطیل شوند، هیچ تأثیری در روند تولید و مصرف فرهنگی و هنری مردم نخواهند داشت. مردم مصرف هنری و موسیقی خودشان را از جای دیگری تأمین می کنند که ربطی به اینها ندارد. یک تجدیدنظر و جراحی جدی در این بخش لازم است.»

او برای این ادعای بزرگ خود، مصداقی ملموس می آورد: «شما در پنج سال گذشته فقط یک ترانه را معرفی کنید که صداسیما در فراگیر شدن آن نقش داشته باشد. صدها میلیارد تومان هزینه شده که حتی یک اثر هم در اذهان ماندگار نشود و در سبده کالای مصرفی مخاطب نرود. این نشان می دهد که ما چقدر از مردم عقب هستیم.»

فستیوال «کوچه»: الگویی برای اقتصاد هنر و نشاط اجتماعی

در مقابل این ساختار ناکارآمد، جریانی پویا در حال رشد است: فستیوال های موسیقی نواحی. به خصوص در جنوب کشور. آیا این یک تب زودگذر است؟ ارجمند که تز دکتری دوم خود را در حوزه «گردشگری موسیقی» نوشته، این پدیده را نه یک تب، که یک ضرورت و یک الگوی موفق می داند. «هنرمندان موسیقی نواحی و سنتی باید از نگاه صدق های دولت جدا شوند و کسب و کار خودشان را از طریق همین فستیوال ها و گردشگری هنری تأمین کنند. فستیوالی مثل «کوچه» در بوشهر، مانند یک «صنعت چتری» عمل می کند؛ وقتی بر گزار می شود، کل شهر را از اقامتگاه ها و رستوران ها تا کسب و کارهای کوچک، تحت الشعاع قرار می دهد و یک رونق اقتصادی و مهم تر از آن، شور و نشاط اجتماعی ایجاد می کند.»

او مخالفت با چنین رویدادهایی را ناشی از عدم شناخت کارکردهای آن می داند و معتقد است این فستیوال ها باید در سراسر ایران فراگیر شوند. او با یادآوری تجربه های گذشته اش، تأثیر مستقیم هنر بر کاهش آسیب های اجتماعی را شهادت می دهد: «یادم هست وقتی در مناطق حاشیه ای تهران کنسرت های رایگان برگزار می کردیم، میزان سرزد در آن منطقه پایین می آمد. در شهرهایی که آمار خودکشی بالا بود، با برگزاری کنسرت های فراگیر رایگان، این آمار به طور چشمگیری کاهش یافت. این ها مطالعاتی است که انجام شده. دنیا با همین ابزارها با معضلات اجتماعی مقابله می کند.»

این جا ببینید



فرهنگ دستوری نمی شود؛ آن را به مردم بسپارید



نه یک صادر کننده حکم تعطیلی، آتش نشانی؛ ناظری است که مرگ و زندگی مردم برایش خط قرمز است.

ملکی با تأکید بر اینکه آتش نشانی صرفاً اخطار دهنده است، نه مجری لغو مجوز، می گوید: «ما نامه ای برای تعطیلی یک جانی نمی بدهیم. ما فقط اعلام می کنیم که این ملک دارای ناایمنی هایی است. نامه های اخطار را مدت هاست به برخی سالن ها داده ایم. متأسفانه یک سری از سالن ها ارزشی قائل نشدن و پای کار نیامدند.»

به گفته او، این مسئولان بالادستی وزارت ارشاد هستند که در نهایت مجبور به اتخاذ تصمیمات سخت می شوند. «اگر سالن دارا بایند پای کار، بدون مشکل حل می شود. اگر نه... خب مسئولان بالادستی شان طبیعتاً ریسک نمی کنند. یک اتفاقی بیفتد، چه کسی می خواهد جواب بدهد؟»

این سخنان، ضمن تأیید وجود معضل ایمنی در برخی اماکن، توپ مسئولیت بستن درها را از زمین آتش نشانی خارج و به دوش مدیران و متولیان می اندازد که در قبال جان مردم کوتاهی کرده اند یا ترجیح داده اند به جای تجهیز، تسلیم «خواستن ها» شوند.

برده آخر: جنگیدن های خسته کننده

ماجرای تعطیلی اما محدود به هشدار ایمنی نیست؛ در نمونه ای دیگر، لغو کنسرت های سیروان خسروی در کاخ نیاوران، ابعاد دیگری از شکنندگی فضای موسیقی را آشکار ساخت. در آنجا، مدیر کل دفتر موسیقی وزارت ارشاد، دلیل رسمی را «اعتراض های مکرر اهالی نیاوران نسبت به آلودگی صوتی» عنوان کرد. اما سیروان خسروی، خود دلیل را فراتر از سروصدا دید و با لحنی توفانی از «فشار های فزاینده برای توقف اجراها» سخن گفت و اعلام کرد که «دیگر توانی برای جنگیدن ندارم.» این دو واقعه، یکی با پرچم «ایمنی» در میلا و دیگری با پرچم «صدا» و «فشار های پیوسته» در نیاوران، حقیقت تلخی را به تصویر می کشند: موسیقی ایران، حتی در مهم ترین سالن هایش، زیر تیغ تهدید های چندان قرار دارد.

هنر، که در شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی، مرهمی بر زخم های جامعه است. اکنون خود به قربانی بازی های بوروکراتیک، فشار های پیدا و پنهان و البته بی مسئولیتی صاحبان مکان های فرهنگی تبدیل شده است. پرسش اصلی اینجاست: تا کی باید میان شور مردم و لزوم ایمنی، میان کسب و کار هنرمند و تصمیمات ناگهانی، این فضای شکننده را تحمل کرد؟ آیا صدای موسیقی در تهران، برای حفظ «ایمنی»، ناگزیر به سکوتی دائمی است؟ این ابهام، بزرگترین تهدید برای آینده فرهنگی پایتخت است.



الهه کاکایی
هفت صبح

شب های تهران، که روزگاری میزبان نبض تپنده موسیقی بودند، این روزها زیر سایه یک سکوت سنگین به خواب رفته اند. سکوتی که نه از سر عزاست و نه از سر فراغت، بلکه از بطن یک اخطار رسمی سر برآورده است: «اخطار آتش نشانی.» این بار، به نظر می رسد ایمنی، به مهم ترین و شاید تنها دلیل موجه برای بستن در های سالن ها تبدیل شده است، اما در بازار گمانه زنی های هنری، این «توار قرمز ایمنی» رنگ و بویی از ابهامات عمیق تر دارد.

برده اول: معمای سالن میلاد و هراس پاییزه

سالن میلاد نمایشگاه بین المللی تهران، که قلب تپنده کنسرت های پاپ پایتخت بود، این روزها با لغو مجوز اجراهای همراه، به نمدادی از این بحران تبدیل شده است. دلیل رسمی دفتر موسیقی وزارت ارشاد، نبود «تأییدیه ایمنی» است. توجیهی که برای بسیاری از اهالی هنر و رسانه قانع کننده نیست؛ چطور ممکن است مکانی که هفته ها میزبان نمایشگاه های عظیمی چون «الکامپ» با هزاران بازدید کننده است و حتی یک ایستگاه آتش نشانی دائمی در محوطه خود دارد، به ناگهان برای پذیرایی از دوستداران موسیقی «ناایمن» شناخته شود؟

در میان این تضادها، زمزمه هایی شنیده می شود که این تصمیمات، بیش از آنکه دغدغه جان مردم باشد، بویی از رقابت های پنهان یا فشار های فرافرونی برای محدود سازی فضای هنر دارد. این تردیدها باعث شده است که حتی مسئله حیاتی ایمنی نیز، خود به ابزاری برای بهانه جویی تعبیر شود.

آتش زیر خاکستر: سخنگوی آتش نشانی چه می گوید؟

برای درک بهتر این موضوع، با جلال ملکی، سخنگوی آتش نشانی تهران، گفت و گو کردیم. او نقش آتش نشانی را شفاف و غیر قابل اغماض بیان می کند؛

گزارش

بررسی معمای توقف کنسرت های پایتخت

نوار قرمز بر قلب موسیقی تهران

- سالن میلاد با سابقه نمایشگاه های عظیم، ناگهان به دلیل «ناایمنی» برای اجراهای موسیقی غیر قابل استفاده اعلام شد
- سخنگوی آتش نشانی می گوید «ما حکم تعطیلی نمی دهیم، ریسک با متولیان است»





جامعه

| روزنامه صبح ایران | سال یازدهم | شماره ۴۱۵۸ | یکشنبه ۵

عوامل موثر در بروز تصادف‌های خودروهای سنگین

واژگونی نژردیک است

لاستیک‌های فرسوده، نقص فنی، سرعت زیاد، خستگی رانندگان، جاده‌های یکنواخت و پراکندگی بارها؛ ریسک تصادف‌های مرگبار و جبران‌ناپذیر را افزایش می‌دهد

رها قویدل
هفت صبح

در کشور ما حمل و نقل جاده‌ای نقش غیر قابل انکاری برای کلیه‌ی بار و مسافر دارد. آن‌هم با فاصله‌ای زیاد با حمل و نقل ریلی یا هوایی یا دریایی. این درحالی است که به همان نسبت، سهم خودروهای سنگین در حوادث و تصادف‌های جاده‌ای نیز در ایران از اکثر کشورهای دیگر جهان بیشتر است. موضوعی که آثار آن حتی به شهرها و تصادف‌های شهری نیز کشیده شده و در سال‌های اخیر، کامیون‌ها و اتوبوس‌ها سهم معناداری را در آمار تصادف‌های به خود اختصاص داده است. جمیع این موارد باعث شده تا بر اساس آخرین آمارهای موجود، خودروهای سنگین در تصادف‌های رانندگی شهری منجر به مرگ سهم و دخالتی ۲۱ درصدی داشته باشند؛ ضمن آنکه در تصادف‌های منجر به فوت جاده‌ای نیز، رقمی معادل ۲۱ تا ۲۷ درصد آمار تصادف‌های به خود، خودروهای سنگین مربوط می‌شود. آماري که تقریباً با هم برابرند؛ در این میان به گفته کارشناسان، عوامل موثر در تصادف‌های کامیون‌ها و خودروهای سنگین را می‌توان در سه بخش عوامل انسانی، جاده‌ای یا نقایض فنی و فرسودگی کامیون‌ها خلاصه کرد.

سهم قابل توجه عوامل انسانی

سرهنگ رابعه جوانبخت، رئیس اداره تصادف‌های پلیس راهور تهران معتقد است که نمی‌توان سهم هر یک از این عوامل را در بروز حوادث خودروهای سنگین و به‌خصوص کامیون‌ها را به‌طور دقیق مشخص کرد ولی بی‌شک عامل انسانی نقش مهمی در این میان دارد. او به «هفت صبح» می‌گوید: «نقاط کور توسط رانندگان رویت نمی‌شود اما در مواقعی هم رانندگان خودروهای سنگین مقصر هستند، چون در لاین سبقت حرکت می‌کنند. این

تخلف در ساعات پایانی روز و شب‌ها بیشتر اتفاق می‌افتد و می‌تواند منجر به تصادف شود.» او سرعت زیاد کامیون‌ها را از جمله عوامل موثر انسانی در افزایش آمار تصادف‌های رانندگی عنوان کرده و می‌گوید: برخی از رانندگان کامیون‌های سنگین علاقه زیادی دارند که با وجود سنگینی وزن وسیله نقلیه و بار زیادی که حمل می‌کنند، با سرعت در جاده‌ها رانندگی کنند. غافل از اینکه وقتی در مواقع اضطراری، ترمز می‌کنند نمی‌توانند ماشین را کنترل کنند و همین امر باعث تصادف‌های سختی می‌شود. یکی از دلایل مهمی که در تصادف‌های خودروهای سنگین نقش دارد، وجود نقص در تجهیزات به ویژه لاستیک‌هاست. اگر عاج لاستیک‌ها خوب نباشد یا راننده از لاستیک صاف استفاده کند، ترمزگیری خوب انجام نمی‌شود. از سویی دیگر از آنجایی که این خودروها بارهای سنگین حمل می‌کنند، لاستیک‌ها زود صاف می‌شوند، از این رو بازديد‌ها و تعویض لاستیک‌ها باید جدی‌تر گرفته شوند. البته به دلیل گرانی و هزینه بالا این امر معمولاً مورد غفلت رانندگان قرار می‌گیرد.

راننده هم راننده‌های قدیم!

ولی شاید جالب باشد که بدانید به اعتقاد بسیاری از راننده‌های حرفه‌ای، رانندگان خودروهای سنگین در گذشته، بسیار خیره‌تر از امروزی‌ها بوده‌اند. موضوعی که جوانبخت هم آن را تأیید می‌کند و می‌گوید: «در گذشته هر خودروی سنگینی راننده خاص خودش را داشت چون رانندگی با هر کدام؛ مهارت ویژه‌ای را می‌طلبد. به عنوان مثال کسی که راننده میکسر بود الزماً پشت فرمان یک ماشین

۱۰ چرخ نمی‌توانست راننده خوبی باشد. حالا ما هم شاهد آن هستیم که رانندگی تخصصی خودروها چقدر می‌تواند در کاهش تصادف موثر باشد.

❖ **نقل و انتقال‌های بی‌مورد بین کارخانجات مختلف**

به گفته دکتر علیرضا اسماعیلی، کارشناس حوزه حمل و نقل و ترافیک، استاد دانشگاه و رئیس سابق پلیس راه کشور، کامیون‌ها و خودروهای حمل بار تکنولوژی بسیار قدیمی و حتی مربوط به ۵۰ تا ۶۰ سال قبل دارند و نگهداری از آنهاهم معضلات خود را دارد. از سویی بارها باید از بنادر مختلف تا مرکز کشور و اقصی نقاط برسد. آن هم به هر قیمتی و همین عاملی می‌شود برای آنکه بروز چالش‌های جاده‌ای از جمله همین تصادف‌های بین جاده‌ای تقریباً هیچگاه متوقف نشود. اسماعیلی در این زمینه به «هفت‌صبح» می‌گوید: متأسفانه پراکندگی بخش‌های مختلف کارخانجات و جابه‌جایی‌ها با یکدیگر همچوانی ندارد، به‌عنوان مثال مرکز صنعت خودروسازی در تهران قرار دارد اما محل رنگ‌آمیزی اتاق‌های خودرو در استانی واقع در شرق کشور است. در این میان به اجبار، اتاق‌ها از استانی به استان دیگر جابه‌جا شده و باز دوباره به کارخانه مبدأ بازمی‌گردند.

کویر و خلسه جاده‌ای، عاملی برای تصادف

حتماً در جاده‌ها موج‌ها و شیب‌های عمیق را دیده‌اید. نقوشی از فرسودگی‌های جاده‌ای که یکی از مهمترین دلایل شکل‌گیری آنها مربوط به کیفیت پایین آسفالت‌ها و طراحی‌های جاده‌ای است که راننده‌های خودروهای سنگین حمل بار را مجبور می‌کند تا به ویژه در نزدیکی سرعت‌گیرها، مجبور به ترمزهای شدید و مکرر شوند. اسماعیلی بر این موضوع



برخی از رانندگان کامیون‌های سنگین علاقه زیادی دارند که با وجود سنگینی وزن خودرو و بار زیادی که حمل می‌کنند، با سرعت در جاده‌ها رانندگی کنند. غافل از اینکه وقتی در مواقع اضطراری، ترمز می‌کنند نمی‌توانند ماشین را کنترل کنند و همین امر باعث تصادف‌های سختی می‌شود

است چراکه باز یاده‌روی در مصرف مواد، عوارضی مانند کاهش هوشیاری، به هم خوردن و کاهش سرعت تصمیم‌گیری در رانندگی انشاق می‌افتد که خود این عوامل باعث بروز تصادف‌های جدی می‌شوند.

دوره‌های آموزشی حین خدمت

اسماعیلی هم مانند جوانبخت معتقد است که برای رانندگان باید دوره‌های اجباری آموزشی و بازآموزی در فواصل زمانی منظم، به‌محوریت موضوعاتی مانند تحویل، حمل بار، بسته‌بندی، حمل مواد خطرناک و... پیش‌بینی شود. او در این زمینه تصریح می‌کند: چه بخواهیم و چه نخواهیم، تکنولوژی ساخت و مشخصات فنی خودروها، قوانین و حتی رفتار رانندگان سال‌به‌سال تغییر می‌کند و به‌روز می‌شود برای همین باید آموزش‌های به‌روز به این رانندگان ارائه شود. بسیاری از رانندگان خودروهای سنگین حین رانندگی فیلم می‌بینند، هم‌زمان پیامک هم می‌دهند و غذا هم می‌خورند؛ در حالی‌که یک پیامک می‌تواند فاجعه‌ای ایجاد کند. یا مثلاً نقاط کور ماشین‌ها هم باید به سایر رانندگان آموزش داده شود چراکه بسیاری از خودروهای سنگین در همین نقاط کور، باعباران پیاده یا موتورسیکلت‌ها تصادف می‌کنند. برای همین اگر به رانندگان درمورد این موضوعات آموزش داده شود، آمار تصادف‌های هم کاهش پیدا می‌کند. این کارشناس بخشی از این مسئولیت را نیز متوجه شرکت‌های تعاونی می‌داند و می‌افزاید: این شرکت‌ها نیز باید هنگام جذب رانندگان اتوبوس‌ها و کامیون‌ها مصاحبه‌های تخصصی، فنی، عملی، روانی و رفتاری را به صورت جدی داشته باشند تا در بدو استخدام رانندگان مجرب بالایش شوند. این‌ها همه، عواملی هستند که تصادف‌های رانندگی را رقم می‌زند که یک پای آن کامیون‌ها هستند.

تلخ اما واقعی

«از قدیم‌الایام استعمال برخی مواد مخدر در بین تعدادی از راننده‌های جاده‌ای، برای بیدار و هوشیار ماندن رایج بوده است. حقیقتی تلخ اما واقعی.» این‌ها را اسماعیلی می‌گوید و توضیح می‌دهد که این نگاه غلط همچنان هم وجود دارد که در نهایت باعث می‌شود تا راننده‌های ماشین‌های سنگین کم‌کم و ناخواسته معتاد شوند. حتی در برخی پایانه‌های بار، ابزار و آلات مربوط به استعمال مواد مخدر هم پیدا می‌شود و دسترس‌ی به مواد مخدر هم برای رانندگان کامیون‌ها باهدف مدیریت خواب، بسیار آسان است! این موضوع خیلی خطرناک



گزارش

موضوع انتقال آب کارون به زاینده‌رود، چالش تاریخی میان خوزستان و اصفهان را زنده کرده است

زاینده رود، نقطه تنش دو استان

سد ماندگان دوباره عملیات اجرایی خود را آغاز کرده و استاندارد اصفهان تأکید می‌کند هدف، تأمین آب استان است



حمیدرضا خالدي

هفت صبح

هنوز چند ماه از اجرای طرح انتقال آب از خلیج فارس به اصفهان و سخنان اخیر مسئولان استان اصفهان در مورد انتقال آب از کارون به زاینده‌رود نگذشته که امام‌جمعه موقت اهواز در واکنشی تند و نیز از تریبون نماز جمعه‌ای هفته‌ای اعلام کرد که مردم خوزستان اجازه نمی‌دهند و راضی نیستند حتی یک قطره آب از این استان به جای دیگری منتقل شود.

سابقه یک طرح

موضوع انتقال آب از سر شاخه‌های کارون اگرچه در سال ۱۳۱۸ با انتقال حدود ۳۰۰ میلیون متر مکعب در سال توسط تونل کوهرنگ ۱ آغاز شد، اما مطالعات بعدی که در سال ۱۳۴۰ توسط شرکت آمریکایی «عمران و منابع» در قالب طرح عمران خوزستان و وزیر نظر سازمان برنامه و بودجه کشور صورت گرفت، آنچنان استعداد استان خوزستان برای کشاورزی و توانمندی‌های آن در جهت خودکفایی کشور را نمایان ساخت که موضوع انتقال آب به مناطق دیگر تا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عملاً دیگر موضوعیت پیدا نکرد. پس از انقلاب این طرح با افتتاح ساختمان سسد و تونل دوم کوهرنگ در زمان نخست وزیری مهندس موسوی کلید خورد و در دولت‌های آقایان هاشمی رفسنجانی و خاتمی نیز ادامه یافت. اما بعد از آن ورق بر گشت و با مخالفت طیف‌های مختلف استان خوزستان، عملاً کار دوباره خوابید.

استارت دوباره یک طرح جنجالی

بعد از آن موضوع طرح انتقال آب از رودخانه کارون به استان اصفهان و احیای زاینده‌رود بار دیگر در جریان تدوین و تصویب لایحه بودجه سال ۹۸ آغاز شد. ۱۹ نماینده استان اصفهان در اعتراض به حذف اعتبار طرح‌های انتقال آب این استان از بودجه سال آینده استعفا دادند و فشار بر دولت برای انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به استان اصفهان را کلید زدند. خواسته نمایندگان اصفهان، ایجاد اصلاحاتی در بودجه سال ۹۸ و ردیف‌دار شدن طرح‌های انتقال آب به این استان و ایجاد ستاد احیای زاینده‌رود بود. نمایندگان استان خوزستان هم ساکت ننشستند و در اقدامی عجیب در روز تقدیم لایحه بودجه به مجلس در حین سخنرانی روحانی در اطراف جایگاه جمع شدند و با صدای بلند اعتراض کردند! این پایان ماجرا نبود؛ در حالی که مسئولان اصفهانی برای انتقال آب از کارون فشار می‌آوردند، نمایندگان دو استان چهار محل و بختیاری و خوزستان در هشتم دی‌ماه یک جلسه با اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور برگزار کردند که در آن جلسه وزیر نیرو و معاون پارلمانی رئیس‌جمهور هم حضور داشتند. جهانگیری در جلسه با نمایندگان دو استان خوزستان و چهارمحال و بختیاری گفت که به هیچ وجه انتقال آب از سرشاخه‌های کارون به اصفهان در برنامه‌های دولت نیست و پراف رئیس‌جمهور هم در این مورد، «جنبه اجرایی ندارد و در حد پاراف است»!

شروع پنهانی عملیات ساخت یک سد

با ادامه مخالفت‌ها، ساخت سد ماندگان که انتقال آب قرار



محیط زیست خوزستان و اصفهان در این زمینه با یکدیگر توافق کرده‌اند تا عملیات ساخت آن از سر گرفته شود. رضا رجبی، معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه‌ای استان اصفهان، در این زمینه و در فروردین ماه سال جاری در میزگردی اعلام کرد که چند روز پیش جلسه‌ای در تهران با حضور رئیس حوضه کارون، رئیس حوضه زاینده‌رود و محیط زیست برگزار شد و تأیید به اولیه زیست‌محیطی این طرح بزرگ گرفته شده است.

تأیید سخنان استاندار

بعد از آن نیز برخی نمایندگان اصفهان در مجلس با تکرار سخنان استاندار اصفهان مهر تأییدی زدند بر عملیاتی شدن این طرح. به عنوان مثال حامد بردیان عضو هیئت رئیسه کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی، مردام‌ماه امسال پروژه تأمین آب ماندگان در جنوب استان اصفهان را از راه‌های اصلی نجات زاینده‌رود خواند و افزود: این پروژه طی یک الی دو سال جمع‌بندی می‌شود و می‌تواند مسائلی را رفع کند. به گفته نماینده مردم اصفهان در مجلس

افزایش ۶۰ درصدی مساحت

فرونشست زمین در تهران

زمین زیر پاها یمان فرومی‌رود



فرونشست زمین در تهران، از آن دست پرونده‌هایی است که هر از چندگاهی با اظهار نظرهای مسئولان یا حادثه فرونشستی باز می‌شود و بعد از مدتی، هم‌زمان با فروکش کردن تب آن از یادها می‌رود. همین چند هفته قبل بود که حجت‌الاسلام آقامیری در پاسخ به خبرنگار هفت‌صبح در مورد آمار فرونشست در تهران گفت که این آمار محرمانه است ولی فقط همین قدر بدانید که اندازه و مقدار این فرونشست بسیار زیاد است. حالا نیز مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفته که فرونشست زمین در دو سال اخیر (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱) با افزایش قابل توجهی همراه بوده و مساحت آن نسبت به دوره‌های پیشین ۶۰ درصد رشد کرده است.

افزایش تصاعدی فرونشست

بر اساس داده‌های ماهواره‌ای دهساله (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵)، پهنه اصلی فرونشست در جنوب تهران شکل گرفته که بخشی از مناطق شهری را نیز دربر می‌گیرد. مرکز اصلی این پهنه در محدوده احمدآباد مستوفی قرار دارد؛ جایی که بیشترین نرخ سالانه فرونشست یعنی بیش از ۲.۵ سانتی‌متر در سال ثبت شده است. علی بیت‌اللهی، مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست درباره آخرین آمار وضعیت فرونشست زمین در جنوب تهران اظهار کرد: این پدیده در دو سال اخیر (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱) با افزایش قابل توجهی همراه بوده و مساحت آن نسبت به دوره‌های پیشین ۶۰ درصد رشد کرده است. به گفته وی، نرخ فرونشست در دو سال اخیر نسبت به دو سال پیش از آن حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است.

وقتی که خود متولیان هم منتقد می‌شوند

موضوع فرونشست اما فقط در حد یکسری آمار و ارقام نیستند بلکه قاب‌هایی هستند از حوادثی مانند فروریز خیابان‌ها و معابر و حتی بزرگراه‌ها که هر از چندگاهی خبری از آنها منتشر می‌شود. به عنوان مثال دو سال قبل بود که میثم مظفر، عضو شورای شهر به این امر اذعان کرد و هشدار داد بخشی از اتوبان آزادگان نشست کرده و خطر آفرین شده است. وی گفته بود: «اگر امروز به‌صورت فوری تصمیم و تدبیر مدیریت شهری نداشته باشد، احتمال وقوع یک بحران قابل توجه و غیرقابل جبران وجود دارد.» این در حالی است که محمد آقامیری، رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران نیز درباره وضعیت تهران در حوزه فرونشست گفته است: «اگر کاری نکنیم فرونشست آنقدر ادامه می‌یابد که زیرساخت‌های شهری را درگیر می‌کند. این در حالیست که در شهرداری تهران هیچ نهادی متولی مسئله فرونشست نیست، هر چند که مدیران شهری ادعا می‌کنند که سازمان مدیریت بحران متولی این مسئله است، اما تاکنون اقدام موثری از این سازمان ندیدیم.»

عاملی به نام استفاده بی‌رویه از برداشت‌های آبی گرچه این نخستین باری نیست که کارشناسان و مسئولان نسبت به فرونشست زمین در تهران و دیگر کلانشهرهای کشور هشدار می‌دهند، همین چند وقت قبل بود که معصومه آمیغ پی؛ رئیس اسبق اداره ترازبایی دقیق و تداخل‌سنجی راداری سازمان نقشه‌برداری کشور با بیان اینکه فرونشست زمین یکی از مخاطرات جدی است، گفته بود: «استخراج بی‌رویه منابع آب زیرزمینی در مناطق گسترده‌ای از کشورمان دلیل این فرونشست بوده که در ۲۵۴ منطقه در حال رخ دادن است. فرونشست می‌تواند سبب تغییر ناهمسان در سازه‌های انتقال آب و نیرو، شکست و یا بیرون‌زدگی لوله جدار چاه‌ها، ایجاد اختلال در بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی، کاهش برگشت‌ناپذیر تمام یا بخشی از منابع مخازن آب زیرزمینی و در نتیجه از بین رفتن یا کاهش میزان نفوذپذیری سطحی و پیرو آن گسترش تپه‌های بیابانی و سیلابی شده که در نهایت تخریب شریان‌های حیاتی، زیرساخت‌ها و سازه‌های مهم را به همراه خواهد داشت.

از خسارت‌های مالی تا فووت شهروندان

این فرونشست‌ها ولی فقط محدود به آمار و ارقام نیستند بلکه به گفته بیت‌اللهی، به طول سال‌های گذشته همین فرونشست زمین در مناطقی مانند قیام یا خیام و مولوی و پیامبر... باعث بروز حوادثی شده که گاه‌ما منجر به فوت تعدادی از هموطنان نیز شده است.

بیت‌اللهی ام‌ا در نهایت به نکته ظریفی اشاره می‌کند که می‌تواند در کاهش حوادث مرتبط با فرونشست نقش موثری را داشته باشد. وی در این زمینه می‌گوید: در حال حاضر به خاطر نبود ضوابط همین دوستانی که در مدیریت شهری؛ هم اکتی خودشان در این زمینه هشدار می‌دهند، به راحتی در همه جای تهران مجوز ساخت و ساز صادر می‌کنند. در حالی‌که این امر می‌تواند در آینده تبعات بسیاری را برای تهرانی‌ها به دنبال داشته باشد.

علی علیپور ستاره پرسپولیس در گفت و گوبا هفت صبح از سختی های لیگ، زمین های سخت، مربیان ایرانی و نقش طلایی هواداران در مسیر قهرمانی می گوید

رئال مادرید و پاری سن ژرمن هم در تختی نمی برند

ستاره گلزن پرسپولیس معتقد است لیگ فصل جاری سخت ترین لیگ خواهد بود

ما همان تیمی هستیم که سپاهان را در اصفهان شکست دادیم

علی پروین پدر معنوی پرسپولیس است



« **هواداران پرسپولیس این روزها به شدت ناراحت و معترض هستند. به آنها حق می دهی؟**

هواداران می توانند ناراحت باشند اما خواش تیم از این است که نه نگران شوند و نه دلسرد. ما الان بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به حمایت داریم. لطفاً از وحید هاشمیان و مربیان باشخصیت ایرانی حمایت کنید. تازه اول راه لیگ بیست و پنجم هستیم و شرایط سایر مدعیان هم بهتر از ما نیست. من می دانم وظیفه ما بازیکنان تلاش و جنگندگی به علاوه تمرکز بیشتر است اما تفاوت ها جایی رقم می خورد که هواداران کدام تیم بیشتر حمایت کنند!

یعنی چه؟!

به نظر من حمایت هواداران باعث می شود تیم از لحاظ روحی و روانی شرایط بهتری پیدا کند. اگر پرسپولیس در یک دهه گذشته همه جام ها را درو کرده و بهترین تیم باشگاهی ایران بوده مطمئن باشید به این خاطر بوده که هوادانش برتر از بقیه و ستاره بوده اند. به نظر من تیمی در پایان این فصل قهرمان می شود که هوادانش ستاره باشند و تا پایان لیگ از تیم محبوب خود حمایت کنند. مطمئن هستم امسال هم مثل همیشه طرفداران ما ستاره لیگ خواهند شد.

بازی بعدی شما با گل گهر

سیر جان است. به عنوان حسن ختام این مصاحبه، بازی با گل گهر را چگونه پیش بینی می کنی؟ گل گهر تیم خوبی است که مربی کاردانی مثل مهدی تار تار دارد اما ما در این بازی محکوم به پیروزی هستیم و باید برنده از زمین خارج شویم.

پرسپولیس در خیابان یا مرکز خرید و... دارد که در تیم ملی کشورش حضور پیدا کند و بتواند بدر خشد اما من اهداف خودم را امسال دسته بندی کرده ام. یکسری هدف های شخصی دارم و یکسری هم تیمی و تلاش می کنم به دومی برس!م

« **به شوخی) اما تا پایان هفته پنجم همه گل های پرسپولیس را فقط خودت زدی؟!**

باور کنید دوست داشتیم دو برابر ۳ گلی که من زده ام را همبازیانم بزنند منتهای مراتب شرایط را هم باید در نظر گرفت. ما به قول شما یک بازی از ۵ بازی این فصل را فقط برده ایم. کدام بازی را؟

معلوم است سپاهان!

این بازی کجا برگزار شد؟

« **باز هم با شوخی و خنده) ۳۰ سوالی شدی؟! ناسلامتی ما مصاحبه گیرنده هستیم!**

لطفاً بگویید کدام شهر؟

اصفهان!

بله، ما در زمین و ورزشگاه اصفهان یکی از پرستاره ترین و مدعی ترین تیم ها را بردیم. منظور من شرایط و کیفیت زمین و حتی ورزشگاه نقش جهان است. من منکر زحمات دوستان عزیز و زحمتش ورزشگاه شهر قدس نمی شوم ولی باید به این موضوع بیشتر فکر کنید.

« **حالا با این شرایط یعنی نباید انتظار قهرمانی داشت؟**

اتفاقاً ما مدعی اصلی هستیم یعنی باید باشیم. پرسپولیس تحت هر شرایطی باید قهرمان شود. من و همبازیانم این چالش را دوست داریم. سرمربی تیم هم چنین هدفی دارد و همه می دانیم این موضوع چقدر مهم است. تلاش می کنیم پرسپولیس را پله پله بالا برده و به جایگاه بالاتری برسانیم. اول باید به جایگاه مناسب برسیم و سپس برای قهرمانی جلو برویم.

۱۰۰ درصد همینطور است. هر کسی دوست دارد که در تیم ملی کشورش حضور پیدا فووتبال ایران مصونیت بیشتری دارند. اگر جای وحید هاشمیان مربی خارجی بود، همه از او تعریف می کردند و می گفتند طلسم چند ساله سپاهان را در اصفهان شکسته است و باید به او زمان بدهیم و حمایت کنیم. فراموش نکنید ما همان تیمی هستیم که این کار را در اصفهان انجام دادیم. مگر غیر از این است؟!

« **یعنی دنبال هدف اولی که احتمالاً آقای گلی در لیگ برتر است، نیستی؟ می توانی با رسیدن به اولسی، دومی را هم با پرسپولیس به دست بیاوری و ...**

حق باشماست اما اگر بخواهم دهم را درگیر آمار و رکوردهای افرادی کنم ممکن است که...

« **به هر حال آمار دروغ نمی گوید. تو در آستانه شکستن رکورد علی پروین هستی. ۹۰ گل زدی و فقط ۵ گل با تعداد گل های زده پروین فاصله داری؟**

علی آقا اسطوره پرسپولیس است. لطفاً اسطوره ها را با هیچ کس مقایسه نکنید. علی پروین پدر معنوی باشگاه پرسپولیس است. من فقط تلاش می کنم برای تیم پرسپولیس موثر باشم و رکوردها و سابقه در خشان آقای پروین تا باید در تاریخ باشگاه پرسپولیس ثبت شده و باقی خواهد ماند. متأسفانه در فووتبال امروز نه قدر مربیان و چهره های جوان خود را می دانیم و نه اسطوره ها را. این همه حقیقت جامعه فووتبال ماست که شاهد آن هستیم.

« **تو یکی از بازیکنانی هستی که همواره در خدمت تیم بوده ای. همیشه هم نه در حرف بلکه در عمل نشان داده ای خودخواه نیستی و به موفقیت تیم فکر می کنی. در همین بازی با ملوان انزلی بیشتر سعی کردی به همبازیانت پاس بدهی ... فکر نمی کنی یک مهاجم لازم است کمی خودخواه تر باشی؟**

شما اولین نفری نیستی که این حرف را به من می زنی. خیلی ها حتی گاهی طرفداران

باشی، بهتر می توانم جواب تو را بدهم؟ من اسمی نمی اورم اما مربیان خارجی در فووتبال ایران مصونیت بیشتری دارند. اگر جای وحید هاشمیان مربی خارجی بود، همه از او تعریف می کردند و می گفتند طلسم چند ساله سپاهان را در اصفهان شکسته است و باید به او زمان بدهیم و حمایت کنیم. فراموش نکنید ما همان تیمی هستیم که این کار را در اصفهان انجام دادیم. مگر غیر از این است؟!

« **اما از ۵ بازی این فصل، ۴ بازی در تهران برگزار شده که پرسپولیس مساوی کرده است؟**

من نمی خواهم دوباره بحث بازی در ورزشگاه اصلی خودمان را مطرح کنم، چون واقعاً تکراری است اما در این زمین ها و شرایط کار ژرمن را هم بیاورید نمی توانست در زمین تختی با زمین های مشابه نتیجه بگیرند. هر کدام از تیم های مدعی لیگ برتر خودمان را هم بیاورید و بگویید در چنین زمین هایی بازی نکنند، نتیجه نخواهند گرفت. من نمی خواهم توجیه کنم یا در مقام دفاع بی دلیل از نتایج پرسپولیس قرار بگیرم اما تصویری که هفته گذشته و پس از بازی با چادرملو منتشر شد، خیلی دردناک بود. امروز می خواهم اگر اجازه بدهید یک مقدار کلی تر و در این رابطه حرف بزنم.

چه نکته ای؟

اینکه این فصل، فصل منتهی به جام جهانی است. همیشه لیگ هایی که در سال جام جهانی برگزار می شود، سخت تر است چون تیم ها و بازیکنان با انگیزه و جدیت بیشتری بازی می کنند ضمن آنکه هدف همه فووتبالست های شاغل در لیگ عضویت

در تیم ملی اعزامی به جام جهانی است. شما الان دیگر تیم ضعیف یا از پیش بازنده ندارید. می بینید که تیم های فجرسیاسی و پیکان تازه صعود کرده به لیگ برتر هم با چه انگیزه و قدرتی بازی می کنند. امسال لیگ ما یکی از سخت ترین دوره های تاریخ لیگ برتر است.

« **از انگیزه و هدف فووتبالست ها در سال منتهی به جام جهانی گفتی. شرایط خود هم همینطور است؟**

« **بعد از مساوی مقابل چادرملو انتظار می رفت پرسپولیس در خانه مقابل ملوان برنده شود اما باز هم مساوی کردید. توضیحی در این رابطه می دهی؟**

این دو بازی را اصلاً با هم مقایسه نکنید. ملوان انزلی و مازیار زارع فووتبال بازی کردند و دنبال ضد فووتبال نبودند اما چادرملو فقط می خواست مساوی بگیرد و همه کار هم کردند که به این هدف برسند و رسیدند. البته زمین نامناسب ورزشگاه تختی هم کمک کرد چادرملو مساوی را از ما بگیرد.

« **به زمین نامناسب اشاره کردی و شاید برخی ها این صحبت ها را توجیه نتایج پرسپولیس بدانند. نظر خودت چیست؟**

هر کسی مختار است برداشت خود را داشته باشد اما باور کنید رئال مادرید و پاری سن ژرمن را هم بیاورید نمی توانست در زمین تختی با زمین های مشابه نتیجه بگیرند. هر کدام از تیم های مدعی لیگ برتر خودمان را هم بیاورید و بگویید در چنین زمین هایی بازی نکنند، نتیجه نخواهند گرفت. من نمی خواهم توجیه کنم یا در مقام دفاع بی دلیل از نتایج پرسپولیس قرار بگیرم اما تصویری که هفته گذشته و پس از بازی با چادرملو منتشر شد، خیلی دردناک بود. امروز می خواهم اگر اجازه بدهید یک مقدار کلی تر و در این رابطه حرف بزنم.

بفرما، راحت باش...

ما امروز مربیان جوان ایرانی را روی نیمکت تیم ها می بینیم که هم انگیزه فراوان دارند و هم ایده های جدید و باید از این سرمایه های ملی حمایت کنیم. امروز چه در رده باشگاهی و چه ملی آن حمایت لازم از مربیان ایرانی انجام نمی شود در حالی که ببخشید مربیان خارجی همواره مورد حمایت بیشتری شما رسانه ها قرار داشته و دارند. این حرف من را قبول ندارید؟

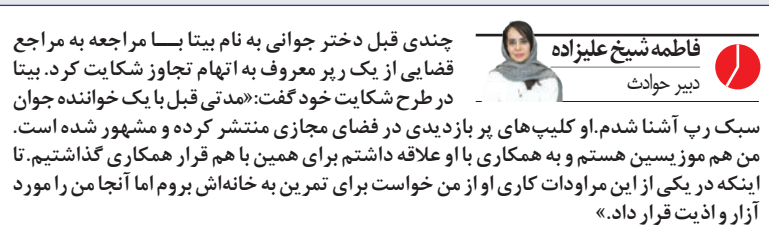
« **اگر اشاره مستقیم و واضح تری داشته**

حوادث

پزشکی قانونی پس از معاینه بیتا، برقراری رابطه را تایید کرد اما درباره رضایت یا اجبار بررسی دادگاه ادامه دارد

ربر معروف اتهام تجاوز را انکار کرد

عاشق بودم نه متجاوز



چندی قبل دختر جوانی به نام بیتا با مراجعه به مراجع قضایی از یک ربر معروف به اتهام تجاوز شکایت کرد. بیتا در طرح شکایت خود گفت: «مدتی قبل با یک خواننده جوان سبک رپ آشنا شدم. او کلیپ های پر بازدید در فضای مجازی منتشر کرده و مشهور شده است. من هم موزیسین هستم و به همکاری با او علاقه داشتم برای همین با هم قرار همکاری گذاشتیم. تا اینکه در یکی از این مراودات کاری اواز من خواست برای تمرین به خانه اش بروم اما آنجا من را مورد آزار و اذیت قرار داد.»

با دستور قضایی بیتا به پزشکی قانونی معرفی شد و بعد از اینکه مورد معاینات قرار گرفت برقراری ارتباط محرز گشت. در ادامه روند رسیدگی قضایی ربر مشهور بازداشت شده و بعد رسیدگی به این پرونده بعد از تکمیل تحقیقات در شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان تهران کلید خورد.

در دادگاه

در جلسه رسیدگی به این پرونده متهم و شاکی رویه روی یکدیگر قرار گرفتند و بیتا مفصل به شرح ماجرای آشنایی خود با جوان ربر پرداخت و گفت: «از کودکی به موسیقی علاقه زیادی داشتم و همه زندگی ام را برای رسیدن به اهدافم در زمینه این هنر صرف می کردم. از قبل این ربر را می شناسختم که در اینستاگرام شهرت زیادی پیدا کرده بود و تبدیل به یک سلبریتی شده بود. با ابراز تمایل من برای همکاری قبول کرد که در بند آنها بنوازم. من هم از این همکاری خوشحال بودم و حتی در کنسرت های خیابانی آنها شرکت می کردم تا اینکه یک روز آقای خواننده به من پیشنهاد کرد که رقص شافل تمرین کنیم و در این زمینه هم اجرا داشته باشیم تا بتوانیم کلیپ های پر بیننده ای در فضای مجازی منتشر کنیم.

من هم قبول کردم و او از من خواست برای تمرین به خانه اش بروم. اما وقتی به خانه اش رسیدم خبری از تمرین رقص شافل نبود و او به سمت من حمله کرد و من را مورد تجاوز قرار داد.» بعد از اینکه شاکی شکایت خود را مطرح کرد نوبت به متهم رسید که برای دفاع از خود در جایگاه حاضر شود.

خواننده معروف بار د اتهام انتسابی گفت: «چند ماهی می شد که با بیتا آشنا شده بودم و در این مدت عاشق او بودم. بیتا هم من را دوست داشت و به خاطر شهرتم سعی می کرد به من نزدیک شود. من با رضایت بیتا با او در ارتباط بودم و هیچ اجبار و اکراهی در کار نبود برای همین من اتهام تجاوز به بیتا را قبول ندارم. می دانم

متهم در دادگاه اتهام قتل شوهر خواهر خود را رد کرد

پاسکاری اتهام قتل بین دایی و خواهر زاده

مدارس بسته محل رفتن و مشخص شد که متهم

شب قبل از این ماجرا در تاریکی شب جسدی را از داخل خانه اش بیرون برده و نیم ساعت بعد به خانه برگشته است. به این ترتیب دایی ۶۶ ساله به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد. متهم وقتی در برابر مستندات پلیس قرار گرفت به ناچار به قتل اعتراف کرد و گفت: شوهر خواهرم بعد از مرگ خواهرم به خاطر دوستی قدیمی که با هم داشتیم مدتی با من زندگی می کرد اما چون اعتیاد داشت از رفتارش خسته شده بودم و هر بار که به پسرش می گفتم او را از خانه من بیسر توجهی نمی کرد تا اینکه روز حادثه او را با چاقو کشتم و شبانه جسدش را به خرابه ای نزدیک خانه ام بردم و رها کردم. با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست قتل عمد برای متهم، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

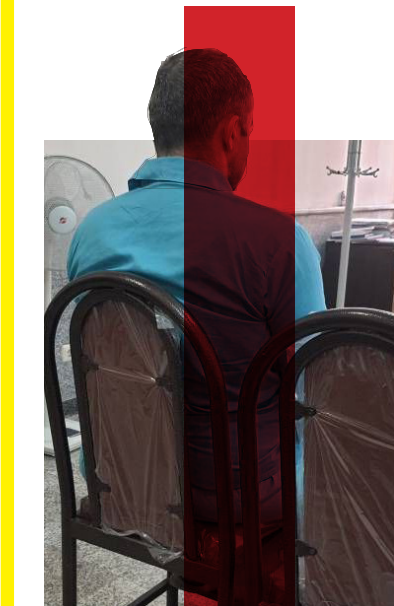
در دادگاه

در ابتدای این جلسه فرزند قربانی برای دایی اش درخواست قصاص کرد. سپس متهم به جایگاه

رفت اما این بار اعترافات قبلی خود را انکار کرد و گفت: من قاتل نیستم شاید قتل کار پسرش بوده باشد و می خواهد آن را به گردن من بیندازد چرا که ما چند سال قبل مجبور شدیم برای کارهای اداری خانه مادرم را به نام خواهر زاده ام بزنیم اما او دیگر حاضر نشد خانه را پس بدهد و می گفت آنجا خانه خودش است که همین موضوع باعث اختلاف شده بود. از طرفی شوهر خواهرم چند قطعه زمین داشت که با مرگ او زمین ها به پسرش می رسید و من فکر می کنم خواهر زاده ام با صحنه سازی پدرش را کشته تا من را مقصر نشان دهد تا هم به زمین های پدرش برسد هم کسی نتواند خانه مادرم را از او بگیرد. روز حادثه من خانه نبودم اما وقتی به خانه برگشتم و جسد را دیدم چند ساعت بعد پسر مقتول به بهانه سر زدن به پدرش به خانه من آمد. او ماه به ماه هم به خانه ام نمی آمد اما آن روز به بهانه اینکه دلش برای پدرش تنگ شده به آنجا آمد و برایم مشکوک بود. با اظهارات متهم، قصصات پرونده را برای تحقیقات بیشتر به دادسرا برگردانند اما در ادامه بررسی ها به سرنخی که نشان دهد پسر جوان در قتل پدرش نقش داشته نرسیدند؛ بنابراین پرونده بار دیگر به دادگاه کیفری یک استان تهران بازگردانده شد. با

تجمع تحقیقات، مستندات و مدارک های موجود در پرونده و همچنین درخواست اولیای دم، قضا،

مرد میانسال را به اتهام قتل شوهر خواهرش به قصاص محکوم کردند اما قضات دیوانعالی کشور با طرح ایراداتی به تحقیقات مرحله دادسرا رای صادر شده را نقض کردند به این ترتیب متهم بار دیگر پای میز محاکمه خواهد رفت.



ضرباتی به مقتول زدند. همه چیز آن قدر سریع رخ داد که حتی فرصت واکنش نشان دادن نداشتیم. لحظه ای بعد، مقتول روی زمین افتاد و خون همه جا را گرفت. نامزدم هراسان فرار کرد، اما من و دوستم و نفر دیگر در محل ماندیم و شوکه شده بودیم.»

بررسی دوربین ها

بازبینی دوربین های مدارس بسته اطراف محل جنایت، گفته های دختران جوان را تایید کرد. تصاویر نشان می داد مقتول ابتدا از کنار آنها عبور کرده و سپس درگیری با رسیدن دو مرد دیگر آغاز شده است. پس از چند ثانیه جدال، یکی از مهاجمان چاقو را بیرون کشید و چند ضربه پیاپی وارد کرد. در همان تصاویر مشخص بود که ضارب اصلی پس از قتل، با سرعت محل را ترک کرده است.

بررسی های بیشتر پلیس پرده دیگری از این ماجرا را کنار زد. معلوم شد قاتل فراری نه تنها در این پرونده متهم به قتل است، بلکه پیش تر نیز به دلیل جرایم مختلف تحت تعقیب پلیس قرار داشته است. این سابقه سنگین باعث شد حساسیت پرونده دوچندان شود و تیم های ویژه ای باأموریت یافتند تا در کوتاه ترین زمان ممکن او را دستگیر کنند.

اکنون، جسد مقتول برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شده و باز پرس جنایی دستور بازداشت سریع متهم فراری را صادر کرده است. همدستان و شاهدان نیز برای بازجویی های تکمیلی در اختیار پلیس قرار دارند.

پیگیری ها نشان داد مرد جوان چند سال پیش در پرونده ای دیگر به اتهام قتل بازداشت شده بود. پس از ماه ها بازجویی و رسیدگی قضایی، در حالی که حکم قصاص در انتظارش بود، توانست با جلب رضایت اولیای دم از مرگ حتمی نجات پیدا کند. با این حال، او از جنبه عمومی جرم در دادگاه محکوم شده بود و بخشی از عمرش را پشت میله های زندان گذرانده بود. در نهایت، با توجه به مدت محکومیتی که تحمل کرده بود و پس از سپردن وثیقه سنگین، به قید آزادی و تحت نظارت پابند الکترونیکی از زندان بیرون آمد. اما این آزادی دوام چندانی نداشت و تنها در کمتر از چند ماه، بار دیگر نام او در پرونده ای خونین مطرح شد؛ اما این بار در جایگاه قربانی.

روایت شاهدان

به این ترتیب تحقیقات جنایی آغاز شد و در همان شب حادثه، دو دختر جوان که در محل حضور داشتند، روایت تکان دهنده ای از لحظات پیش از قتل ارائه کردند. یکی از آنها که خود را دوست دختر قاتل معرفی کرد، گفت: «من و دوستم مقابل خانه منتظر بودیم تا نامزدم و یکی از دوستانش به ما برسند. در همین لحظه، مقتول از کنار ما عبور کرد. او ناگهان متلکی پراند و باعث شد احساس بدی پیدا کنیم. درست در همان زمان، نامزدم و دوستش رسیدند. وقتی فهمیدند چه اتفاقی افتاده، عصبانی شدند و به سمت او رفتند.» او ادامه داد: «همان آنها مشاجرهای در گرفت و ناگهان کار به درگیری فیزیکی کشیده شد. هر دو نفر چاقو همراه داشتند و خیلی سریع

درگیری خیابانی به خاطر متلک پرانی منجر به جنایت شد

قاتل بعد از آزادی به قتل رسید

شامگاه چهارشنبه گذشته در یکی از محله های شرق تهران درگیری کوتاه اما مرگباری میان چند جوان در برابر یک خانه مسکونی، به قتل مردی انجامید که تنها چند ماه قبل با گرفتن رضایت از اولیای دم از چوبه دار گریخته و با پابند الکترونیکی در سطح شهر رفت و آمد می کرد. وقتی تیم جنایی به محل حادثه رسید، مردی جوان بر روی آسفالت افتاده بود؛ بدنش غرق خون و آثار چندین ضربه چاقو بر پیکرش دیده می شد.

